



آزمون‌های سراسری کاج

کانون فرهنگی و آموزشی کاج

سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸

دفترچه شماره ۳

آزمون شماره ۹

جمعه ۹۸/۰۸/۰۳

پاسخ‌های تشریحی

پایه دوازدهم انسانی

دوره دوم متوسطه

نام و نام خانوادگی:	شماره داوطلبی:
تعداد سوالاتی که باید پاسخ دهید: ۲۸۰	مدت پاسخگویی: ۲۶۵ دقیقه

عناوین مواد امتحانی آزمون گروه آزمایشی علوم انسانی، تعداد سوالات و مدت پاسخگویی

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سوال		مدت پاسخگویی
		از	شماره سوال	
۱	فارسی	۲۵	۱	۱۸ دقیقه
۲	زبان عربی (عمومی)	۲۵	۲۶	۲۰ دقیقه
۳	دین و زندگی	۲۵	۵۱	۱۷ دقیقه
۴	زبان انگلیسی	۲۵	۷۶	۲۰ دقیقه
۵	ریاضیات	۱۵	۱۰۱	۳۵ دقیقه
		۱۰	۱۱۶	
		۱۰	۱۲۶	
۶	اقتصاد	۱۰	۱۳۶	۱۰ دقیقه
۷	علوم و فنون ادبی	۱۵	۱۴۶	۲۵ دقیقه
		۱۰	۱۶۱	
		۱۰	۱۷۱	
۸	زبان عربی (اختصاصی)	۱۰	۱۸۱	۱۰ دقیقه
۹	تاریخ	۱۰	۱۹۱	۲۰ دقیقه
		۱۰	۲۰۱	
		۱۰	۲۱۱	
۱۰	جغرافیا	۱۰	۲۲۱	۲۰ دقیقه
		۱۰	۲۳۱	
		۱۰	۲۴۱	
۱۱	جامعه‌شناسی	۱۰	۲۵۱	۳۰ دقیقه
		۱۰	۲۶۱	
		۱۰	۲۷۱	
۱۲	فلسفه و منطق	۱۰	۲۸۱	۳۰ دقیقه
		۱۰	۲۹۱	
		۱۰	۳۰۱	
۱۳	روان‌شناسی	۱۰	۳۱۱	۱۰ دقیقه

حق چاپ و تکثیر پاسخ‌های آزمون برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی ممنوع می‌باشد و پیگرد قانونی دارد.

برای اطلاع از نتایج آزمون و زمان دقیق اعلام آن به‌درد در کانال تلگرام کاج عضو شوید. @Gaj.ir





فارسی

- ۲) ایهام تناسب: زال: ۱- بیرون ۲- پدر رستم (تناسب با داستان) / داستان:
۱- نیرنگ و فریب ۲- لقب زال (تناسب با زال)
کنایه: گره به باد زدن: کنایه از کار بیهوده انجام دادن / از راه رفتن: کنایه از
گمراه شدن
۴) جناس ناقص: یاد و با / راه و را
نغمهٔ حروف: بیت اول: تکرار صامت‌های «ب»، «ر» و «م» و صوت بلند «ا»
بیت دوم: تکرار صامت‌های «ت»، «ر» و «ک»
۱۳) ۲) (و) پارادوکس: —

بررسی سایر ابیات:

- الف) تلمیح: اشاره به داستان اسکندر
ب) تضاد: آب ≠ آتش
ج) کنایه: زلف بر باد دادن کنایه از جلوه‌گری / بنیاد کردن کنایه از به طور
کامل نابود کردن
د) ایهام: بو ۱- رایحه، شمیم ۲- امید، آرزو
ه) استعاره: پسته استعاره از دهان
۱۴) ۳) ایهام (بیت «ب»): گلستان: ۱- باغ گل ۲- کتاب گلستان
استعاره (بیت «الف»): سرو استعاره از معشوق
تضاد (بیت «د»): درد ≠ درمان
تلمیح (بیت «ج»): اشاره به داستان حضرت یوسف (ع)
تشبیه (بیت «ه»): آتش عشق (اضافه تشبیهی)

- ۱۵) ۴) گزینهٔ (۴) یادآور نام کتاب «اسرارالتوحید» از محمد بن منور است.
۱۶) ۲) پیام مشترک بیت سؤال و گزینهٔ (۲): تسلیم عاشقانه

مفهوم سایر گزینه‌ها:

- ۱) حیات‌بخشی وجود معشوق (۳) وفاداری عاشق و دل‌فربیی معشوق
۴) غم‌پرستی
۱۷) ۲) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینهٔ (۲): نکوهش ظاهرینی و
لزوم توجه به باطن

مفهوم سایر گزینه‌ها:

- ۱) ستایش آفرینش خداوند
۳) ستایش آفرینش، خردبخشی و عفو پروردگار
۴) نکوهش نفاق و دورویی
۱۸) ۲) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینهٔ (۲): بلاکشی عاشق و
خرسندی عاشق به بلای عشق

مفهوم سایر گزینه‌ها:

- ۱) توصیف رنج عاشقی
۳) هشدار نسبت به سهل گرفتن کار عاشقی
۴) توصیه به توبه
۱۹) ۲) مفهوم گزینهٔ (۲): تجلی معشوق در ظاهر و باطن عاشق
مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها: ویرانگری حسد

- ۲۰) ۱) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینهٔ (۱): عشق تجلی‌گاه اضداد
است. (پدیده‌های متضاد)
مفهوم سایر گزینه‌ها:

- ۲) گنازندگی غم هجران و طلب ترخم از معشوق
۳) پاک‌بازی عاشق
۴) افشاگری عشق / ظاهر آیین باطن است.

- ۱) ۳) معنی درست واژه‌ها: مُلک: مملکت، سرزمین، کشور /
غنا: سرود، آوازخوانی، دستگاه موسیقی / سودا: اندیشه، هوس، عشق /
موسم: فصل، هنگام، زمان

- ۲) ۱) قسیم: صاحب جمال
بنان: سرانگشت، انگشت
وَقَب: هر فرورفتگی اندام، مانند گودی چشم
کاینه: موجود
ثنا: ستایش، سپاس

- ۳) ۴) واژهٔ «نیست» در گزینهٔ (۴) در معنی «وجود ندارد» به کار
رفته، اما در سایر گزینه‌ها فعل اسنادی‌ست، به معنی «نمی‌باشد».

- ۴) ۲) املای درست واژه‌ها: حلیه (زیور و زینت) / لثیم (پست)

- ۵) ۲) املای درست واژه: بی‌توله

- ۶) ۲) واژه‌های مرکب: دلکش، حورسشت، جان‌پرور، شکرریز،
آتش‌انگیز، سرخوش (۶ مورد)

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱) ای خار مغیلان! آیا تو سخن می‌گویم! / مددی [رسان]
۲) ای [کسی که] رفته [ای] و بر دل ما داغ نهاده [ای] / سوگند به جان تو
[می‌خوریم]
۴) دستی [دهید]

- ۸) ۱) در گزینهٔ (۱) واو از نوع «ربط» است و در سایر گزینه‌ها از نوع
«عطف».

- ۹) ۳) پرویز: ساده
بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱) دلاویز (دل + آویز): مرکب (۲) لبریز (لب + ریز): مرکب
۴) خون‌ریز (خون + ریز): مرکب

- ۱۰) ۴) آسمان، مهربان، باغبان (۳ مورد)

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱) کاروان (۱ مورد)
۳) روزگار، استوار (۲ مورد)

بررسی آرایه‌های گزینه:

- تشبیه: مرغ دل / زلف به چنگل شاهین
استعاره: جان‌بخشی به دل (شکبایی نداشتن و نسبت دادن هوس به آن)
ایهام تناسب: باز: ۱- دوباره ۲- پرندهٔ شکاری (تناسب با مرغ، چنگل، شاهین)

- ۱۲) ۳) تلمیح: اشاره به داستان فرمان‌روایی حضرت سلیمان (ع) بر باد
و داستان زال، پدر رستم
پارادوکس: —

بررسی آرایه‌های سایر گزینه‌ها:

- ۱) جناس تام: که (در مصراع آخر، به معنی «چه کسی»)، که (حرف ربط)
استعاره: «گره زدن به باد» استعارهٔ نوع دوم مکتبهٔ «سخن گفتن باد» و
«جان‌بخشی به آسمان» تشخیص و استعاره / زال استعاره از آسمان



۲۱) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۲): عزت و ذلت به دست خداست.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

- (۱) خاکساری مایهٔ عزتمندی است. (۳) جفاکاری روزگار
(۴) نکوهش ساده‌انگاری در عشق

۲۲) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۲): ترجیح معشوق بر بهشت و لذت‌های آن

مفهوم سایر گزینه‌ها:

- (۱) درمان‌ناپذیری درد عشق
(۲) بی‌پروایی عاشق و تحمل دشواری‌های عشق
(۴) رهایی از عشق ممکن نیست.

۲۳) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۳): کمال‌بخشی عشق به عاشق

مفهوم سایر گزینه‌ها:

- (۱) تنها عاشق ارزش معشوق را درک می‌کند. / قدر زر زرگر شناسد، قدر گوهر گوهری
(۲) ذکر مصیبت ممدوح
(۴) اهمّیت سرشت نیکو در رسیدن به کمال

۲۴) مفهوم گزینه (۲): دشواری غم هجران و تلخی مرگ / ارزشمندی معشوق

مفهوم مشترک سؤال و سایر گزینه‌ها: پاک‌بازی

۲۵) مفهوم گزینه (۲): خودحسابی و آخرت‌اندیشی

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: توصیه به توکل

زبان عربی (عمومی)

■ درست‌ترین و دقیق‌ترین جواب را در ترجمه یا تعریب یا مفهوم مشخص کن (۳۵ - ۲۶):

۲۶) ۱) ترجمهٔ کلمات مهم: **اللّه الذی**: خداوند کسی است که / **یؤمّل**: می‌فرستد / **الرزاق**: پادها را / **فقیّس**: و برمی‌انگیزند (برمی‌انگیزاند)؛ مرجع فاعلش «الرزاق» است. / **شحاباً**: ابری را / **فیبسطه**: سپس آن را می‌گستراند

اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

- (۲) «تشکیل می‌دهند» ترجمهٔ نادرستی از فعل «**کُتِبَ**» است، «آن‌گاه» ← سپس
(۳) «تا»، «ابرها»، «تشکیل دهند»، «آن‌گاه» و «آن‌ها» نادرست هستند.
(۴) «آن» اضافی است، «تا» نادرست است، «شحاب» مفرد است نه جمع؛ «**سُحُب**» ابرها»

۲۷) ۴) ترجمهٔ کلمات مهم: **هذا الإنسان**: این انسان / **وإن یسدو**: اگرچه (هرچند) به نظر می‌آید / **جرماً** ضمیراً: پیکری کوچک، جسمی کوچک / **قد إنطوی**: به هم پیچیده شده است / **فیة**: در وی / **العالم الأكبر**: دنیای بزرگ‌تر

اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

- (۱) ضمیر «ش» در «جسمش» اضافی است. زائد بودن «**أما**»، دنیایی بسیار بزرگ ← دنیای بزرگ‌تر
(۲) «این انسان است» ترجمهٔ این عبارت است: «**هذا هو الإنسان**»، «**یسدو**» ترجمه نشده است، زائد بودن «**أما**»، «**العالم الأكبر**» معرّفه است نه نکره!
(۳) «**العالم**» باید به صورت معرّفه ترجمه شود؛ «دنیای» نه «دنیایی». ساختار جمله جا به جایی دارد. اضافی بودن «**تدها**»

۲۸) ۲) ترجمهٔ کلمات مهم: **مِن** و **إِینَا**: وظیفهٔ ماست، تکلیف ماست / **کفّواطین**: به عنوان شهروندان / **أَنْ نُصَافِظَ علی**: که نگهداری کنیم از، نگهداری کردن از؛ «**أُنْ** + فعل مضارع» را می‌توانیم به صورت مصدر هم ترجمه کنیم / **الفرافق العامة**: تأسیسات عمومی / **التي**: که / **یُتَفَقَّح**: بهره‌مند می‌شوند / **بها**: از آن / **جمیع الناس**: همهٔ مردم

اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

- (۱) «**ک**» در این جا معنای «به عنوان» می‌دهد، «بهره‌مند می‌سازند» نادرست است، «**یُتَفَقَّح**» بهره‌مند می‌شوند»
(۳) «چون» نادرست است، «بهره‌مند می‌سازند» نادرست است، عدم ترجمهٔ «**بها**»
(۴) «وظایف» جمع است و «واجب» مفرد، «شهروند» مفرد است و باید جمع شود. «**یُتَفَقَّح**» نادرست ترجمه شده است، عدم ترجمهٔ «**بها**»

۲۹) ۱) ترجمهٔ کلمات مهم: **فی هذه الحصة**: در این زنگ / **تمارش**

الطالبات: دانش‌آموزان انجام می‌دهند، دانش‌آموزان تمرین می‌کنند / **أنشأ**: اجتماعیه: فعالیت‌هایی اجتماعی / **یتحدّثن**: سخن می‌گویند / **دوره‌ن**: نقشان / **بناء الفئتمع**: ساخت جامعه

اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

- (۲) فعالیت ← فعالیت‌هایی، «**هر کدام**» معادلی در عبارت ندارد، زائد بودن «**هر کدام**»، سخن می‌گوید ← سخن می‌گویند
(۳) ضمیر «**دوره‌ن**» ترجمه نشده است، فعالیت ← فعالیت‌هایی، انجام داده ← انجام می‌دهند، «**خویش**» در «**جامعهٔ خویش**» اضافی است.
(۴) «در فعالیت‌های اجتماعی شرکت می‌کنند» نادرست است، «**هر یک**» معادلی در عبارت ندارد. «**یتحدّثن**» جمع است.

۳۰) ۴) ترجمهٔ کلمات مهم: **رجعت**: بازگشت / **إحدى الطالبات**: یکی از دانش‌آموزان / **الفرقة الفارغة**: اتاق خالی / **یتطفی**: تا خاموش کند / **القصایخ**: چراغ‌ها / **المکیف**: کولر

اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

- (۱) «دانش آموزی» معادل «**طالبة**» است نه «**إحدى الطالبات**»!
(۲) «یک دانش‌آموز» معادل «**طالبة**» است؛ «**إحدى الطالبات**» یکی از دانش‌آموزان، «**رجعت**»: بازگشت، «**آن**» اضافی است.
(۴) «**آن**» معادلی در متن ندارد.

۳۱) ۲) ترجمهٔ کلمات مهم: **قلوب لیس فیة**: قلبی که در آن نیست / **شیء من الحکمة**: چیزی از حکمت / **کبیب خروب**: مانند خانهای خراب است / **فقلّموا**: پس یاد بگیرید، پس علم بیاموزید

اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

- (۱) «**فیة**» ترجمه نشده است، «**بیت**» نکره است.
(۳) «**شیء من**» ترجمه نشده است، «**خراب**» اسم است نه فعل!
(۴) «خراب شده است» نباید به صورت فعلی ترجمه شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) «**میتا**» دوست» نه «**صد**»، «**منها**» ← از آن
(۲) «**سبعة** و **تسعون**» نود و هفت»، «**این**» زائد است.
(۳) ترجمهٔ درست: نمی‌دانستم که حشرات هشتاد درصد از موجودات را تشکیل می‌دهند!

۲۳ ۳ بررسی سایر گزینه‌ها.

- (۱) «لبیت ... بوضوح: ای کاش ... توضیح دهنده؛ «لبیت» به همراه فعل مضارع معنای مضارع التزامی می‌دهد نه ماضی!
(۲) «لعل: شاید، امید است» نه «ای کاش»!
(۴) «لبیتی لم اتکامل: ای کاش من تبدیلی نکرده بودم»

۲۴ ۲ بررسی سایر گزینه‌ها.

- (۱) «قطع: قطع کرد» نه «قطع شد». «البيت الخامس: خانه پنجم»
(۲) معهود اعداد ۱ تا ۱۰ به صورت جمع و مجرور می‌آید: «خمسۃ بیوت»
(۴) «قطع» (قطع کرد) متعدی است، اما «قطع شد» لازم است.

۲۵ ۴ ترجمه عبارت سؤال:

- «گویی راضی ساختن همه مردم هدفی است که به دست نمی‌آید.»
مفهوم: گزینه (۴) هم دقیقاً همین پیام را دارد.
■ متن زیر را با دقت بخوان سپس متناسب با آن به سؤالات پاسخ بده (۴۳-۲۶):

پدیده‌های طبیعی، رفتار طبیعت است؛ از آن‌ها برخی متعارف هستند و بارها در هر زمان و مکانی رخ می‌دهند، مانند رعد و برق؛ و برخی وقوعشان نادر است، مانند پدیده باران ماهی که هر ساله در جمهوری هندوراس در آمریکای مرکزی اتفاق می‌افتد. پدیده‌هایی طبیعی وجود دارد که ترس و نگرانی را در دل‌های مردم برمی‌انگیزاند و جز تخریب چیزی به همراه نمی‌آورد، مانند آتشفشان‌ها و گردبادها. [وهم‌چنین] پدیده‌های سودمند و دل‌ربایی وجود دارد، مانند بارش باران‌ها و برف‌ها و پدیده زیبای رنگین‌کمان.

پدیده‌های طبیعی فقط به دلایلی طبیعی اتفاق می‌افتد و در وقوع آن‌ها عواملی انسانی تأثیرگذار نیست. از قدیم تا الان، دانشمندان پدیده‌های طبیعی را در تلاش برای کشف اسرار و علل وقوع آن‌ها، بررسی می‌کنند. اما پدیده‌هایی پیچیده وجود دارد که علم نتوانسته است علل آن را کشف کند.

و با وجود پیشرفت علمی انسان در قرن‌های اخیر هنوز اشخاصی وجود دارند که نظریه‌های علمی را رد می‌کنند و پدیده‌های طبیعی را به شکلی خرافی که هیچ حقیقتی ندارند تفسیر می‌کنند!

۲۶ ۱ موضوع اصلی متن چیست؟

- (۱) رفتار طبیعت! (موضوع اصلی باید کلی و محور اصلی متن باشد. محور اصلی متن در مورد پدیده‌های طبیعی است که از آن تحت عنوان «رفتار طبیعت» یاد شده است)
(۲) پدیده‌های طبیعی و خرافات! (جزئی است)
(۳) پدیده باران ماهی! (جزئی است)
(۴) علل پدیده‌های طبیعی! (در متن به علل پدیده‌ها اشاره‌ای گذرا شده است)

۲۷ ۴ براساس متن

- مورد صحیح را انتخاب کن:
(۱) پدیده‌های پیچیده آن‌هایی هستند که در پس خود آثار منفی زیادی بر جای می‌گذارند! (در متن چنین ادعایی نشده است)
(۲) پدیده‌های طبیعی ویرانگر در قرن‌های اخیر بسیار زیاد شده‌اند! (چنین مطلبی در متن نیامده است)
(۳) پدیده‌های طبیعی در جمهوری هندوراس هر سال یک بار اتفاق می‌افتد! (فقط پدیده باران ماهی، یک بار در سال اتفاق می‌افتد نه همه پدیده‌های طبیعی!)

(۴) پدیده طبیعی عبارت است از اتفاقی یا دگرگونی در طبیعت که خارج از اراده انسان است! (✓) براساس «الظواهر الطبيعية لا تحدث إلا بأسباب طبيعية ولا تؤثر في حدوثها عوامل بشرية.»

۳۸ ۱ [گزینه] اشتباه مشخص کن:

- (۱) انسان در گذشته نمی‌توانست به پدیده‌های طبیعی و علل آن شناخت پیدا کند! (×) چون در متن آمده است: «ومنذ القديم حتى الآن ...»
(۲) پدیده طبیعی می‌تواند منشأ خیر یا شر برای بشر باشد! (✓) چون در متن آمده برخی پدیده‌ها فقط ویرانی به همراه دارند)
(۳) طبیعت مانند انسان است؛ ممکن است رفتاری عجیب و نامعمول داشته باشد! (✓) با توجه به «منها ما هو نادرٌ حدوثه ...»
(۴) ممکن است پدیده طبیعی فقط یک بار در سال اتفاق بیافتد! (✓) مانند پدیده باران ماهی

۳۹ ۱ براساس متن، مورد درست را مشخص کن:

- (۱) هنوز پدیده‌هایی طبیعی وجود دارد که انسان علل آن را نمی‌داند!
(۲) پدیده‌های پیچیده پدیده‌هایی هستند که علم هیچ‌گاه نمی‌تواند عللش را بشناسد! (پدیده‌های پیچیده فهم عللشان سخت است، اما غیرممکن نیست)
(۳) به علت پیشرفت علمی انسان اندیشمندی خرافی پیرامون پدیده‌های طبیعت وجود ندارد! (×) چون در متن آمده: «مازال هناك أشخاص يرفضون ...»
(۴) قبل از قرن بیستم هیچ تفسیر علمی درباره پدیده‌های طبیعی وجود نداشت! (×) بسیاری از نظریات علمی قبل از قرن بیستم بیان شده است.
■ گزینه درست را در اعراب و تحلیل صرفی مشخص کن (۴۲-۴۰):

۴۰ ۲ بررسی سایر گزینه‌ها.

- (۱) للغائب ← للغائبة / متعدّد ← لازم؛ «تَحَدَّثْتُ: اتفاق می‌افتد» یک فعل لازم است.
(۳) فاعله «الظواهر» ← فاعل همیشه بعد از فعل می‌آید (فاعل در این فعل ضمیر مستتر «هی» است).
(۴) «لا» للثّبي ← «لا» للثّبي

۴۱ ۳ بررسی سایر گزینه‌ها.

- (۱) من باب «تفعل» ← من باب «تفعل»؛ «أثر»، «يؤثر»، «تأثير» در باب «تفعل» است.
(۲) مصدره «تأثر» ← مصدره «تأثير»
(۴) مجهول ← معلوم / نائب فاعله ← فاعله

۴۲ ۲ بررسی سایر گزینه‌ها.

- (۱) مفرد مذکر ← مفرد مؤنث؛ «الوُسطى» بر وزن «فعلی» اسم تفضیل برای مؤنث است؛ بنابراین مؤنث است نه مذکر!
(۲) جمع تکسیر ← مفرد مؤنث
(۴) مؤنّف بالمعلیّة ← مؤنّف بال / مضاف‌إلیه ← صفة
■ گزینه مناسب را در پاسخ به سؤالات زیر مشخص کن (۵۰-۴۳):

۴۳ ۴ بررسی سایر گزینه‌ها.

- (۱) «المكثف» اسم فاعل است؛ پس حرف ماقبل آخر (عین‌الفعل) آن باید کسره داشته باشد ← «المكثِف»
(۲) «لا یرمی» معلوم است نه مجهول ← «لا یرمی»
(۳) «يَحْتَفِلُونَ» درست است؛ «إِحْتَفَلْ»، «يَحْتَفِلْ»، «إِحْتِفَالْ» / «سنة» مضاف‌إلیه و مجرور است. ← «سنة»

۴۴ پرسری و ترجمه گزینیه‌ها:

- (۱) «جَالِسْتُمْ: همنشینتی کنی» درست است نه «جَلِسْتُمْ: بنشین» ترجمه: اگر با عاقلان و آگاهان همنشینی کنی از آنان بهره‌مند می‌شوی!
- (۲) «أَقْبِرَاح: پیش نهاد» درست است.
- ترجمه: به نظر من پدر و مادرت این پیشنهاد تو را قبول نخواهند کرد!
- (۳) «تَعَارَف: آشنایی» درست است نه «تعریف: تعریف کردن» ترجمه: فردا در شرکت جلسه معارفه برگزار خواهد شد!
- (۴) «تَعَلَّمْتُ: یاد گرفتم» درست است نه «عَلَّمْتُ: یاد دادم» ترجمه: زبان انگلیسی را با گوش کردن به سخنرانی‌ها یاد گرفتم!

۴۵ پرسری گزینیه‌ها:

- (۱) «نِیَامٌ» جمع مکتسر «نِیَامٌ» است.
- (۲) «تَقْوَد» جمع مکتسر «تَقْد» است.
- (۳) «تِقَاط» جمع مکتسر «نِقْطَة» است.
- (۴) «سَاكِنِي» در اصل «سَاكِنِيْن» بوده و جمع مکتسر سالم است.

۴۶ پرسری گزینیه‌ها:

- (۱) ۱۸ ضربدر ۴ برابر است با ۷۲. (✓)
- (۲) ۱۵ به اضافه ۲۸ برابر است با ۹۸. (×) (یسوی «ثلاثة و خمسين (۵۳)» است)
- (۳) ۴۴ منهای ۱۷ برابر است با ۲۷. (✓)
- (۴) ۸۵ تقسیم بر ۵ برابر است با ۱۷. (✓)

۴۷ پرسری گزینیه‌ها:

- (۱) «تَمَانِيَة أَطْيَاء» (✓) بعد از عدد هشت یک اسم جمع آمده است.
- (۲) «الثالثة» درست است؛ چون عدد ترتیبی و صفت است برای اسم مؤنث «حقیقه».
- (۳) «سِتَّة عشر ضيفاً» درست است؛ معهود اعداد ۱۱ تا ۹۹ مفرد می‌آید.
- (۴) «إثنان فريقان» درست است؛ در اعداد ۱ و ۲ ابتدا معهود و سپس عدد می‌آید.

۴۸ پرسری گزینیه‌ها:

- (۱) «تَسْمِي» در باب «تفعیل» است ← «تَسْمِي»، «تَسْمِي»
- (۲) «نَهْدِي» در باب «تفعیل» است ← «هَدَأ»، «يَهْدِي»
- (۳) «يَفْرُق» در باب «تفعیل» است ← «فَرَّق»، «يَفْرُق»
- (۴) در این گزینه «تَأَكَّد» در باب «تفعل» است و «يَسْتَوِي» ثلاثي مجرد است ← «سَبَّ»، «يَسَبُّ»

۴۹ نکته:

- هر وقت سؤال می‌خواهد، گزینه‌ای را انتخاب کنیم که هیچ امیدی در به وقوع پیوستن آن نیست؛ باید دنبال حرف مشبیه بالفعل «لیت: ای کاش» بگردیم، بنابراین پاسخ گزینه (۳) است.
- ترجمه عبارت: روز قیامت کافران می‌گویند: ای کاش ما به دنیا باز گردیم تا کار نیکی انجام دهیم. (از نظر منطقی این کار نشدنی است و هیچ امیدی به آن نیست).

۵۰

- می‌دانیم که حرف مشبیه بالفعل «إِنَّ» برای تأکید جمله اسمیه است؛ بنابراین گزینه (۳) درست است.

دین و زندگی

۵۱

- اگر شخصیتی یا «من» انسان وابسته به جسم او باشد، باید در دوران عمر بارها عوض شده و به شخص دیگری تبدیل شده باشد، در صورتی که چنین نیست و هر کس این را در خود می‌یابد.

۵۲ پیامبران الهی و پیروان آنان مرگ را پایان بخش دفتر زندگی

نمی‌پندارند؛ بلکه آن را غروب برای جسم و تن انسان و طلوعی درخشان‌تر برای روح انسان (جان) می‌دانند یا پلی به حساب می‌آورند که آدمی را از یک مرحله هستی (دنیا) به هستی بالاتر (آخرت) منتقل می‌کنند. رسول خدا (ص) در این باره می‌فرماید: «برای نابودی و فنا خلق شده‌اید، بلکه برای بقا آفریده شده‌اید و با مرگ تنها از جهانی به جهان دیگر منتقل می‌شوید».

۵۳

ناگوار ندانستن مرگ از سوی خداپرستان معلول (نتیجه) دل نرسیدن به دیانت و آنان معتقدند مرگ برای کسانی ناگوار و هولناک است که زندگی را محدود به دنیا می‌بینند یا با کوله‌باری از گناه با آن مواجه می‌شوند (قسمت دوم هر ۴ گزینه صحیح است) و نهراسیدن از مرگ سبب می‌شود که دفاع از حق و مظلوم و فداکاری در راه خدا آسان‌تر شود.

۵۴

امام علی (ع) می‌فرماید: «خدای من! مرا این عزت پس که بنده تو باشم و این افتخار پس که تو پروردگار منی. خدای من! تو همان گونه‌ای که من دوست دارم، پس مرا همان گونه قرار ده که تو دوست داری» و عبارتی که به توحید در ربوبیت اشاره دارد این است: «وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ».

۵۵

در این سؤال فقط مورد (ج) صحیح نیست و درست آن این است که نهراسیدن از مرگ و حفظ شور و نشاط و انگیزه فعالیت تسایع (نه تنبوع) و معلول ایمان به خدا و معاد و انجام عمل صالح است (دقت کنیم متبوع به معنای علت است).

۵۶

عقیده به توانایی پیامبر اکرم (ص) و اولیای دین در برآوردن حاجات انسان (مانند شفا دادن) وقتی موجب شرک است که این توانایی را از خود آن‌ها و مستقل از خدا بدانیم، اما اگر این توانایی را صرفاً از خدا و انجام آن را با درخواست اولیاء خداوند و به اذن خدا بدانیم عین توحید است و با توجه به کلیدواژه «اولیاء» در آیه شریفه «قُلْ أَفَأَتَّخِذُكُمْ مِّنْ ذَوْنِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنبِيئِهِمْ»، شرک در ولایت را می‌توان برداشت کرد.

۵۷

ثابت بودن «خود» در درون خود می‌یابد، این خود گرچه در طول زندگی حالات گوناگون پیدا می‌کند، اما یک محور ثابت و تغییرناپذیر دارد (بعد روحانی) که به پشتوانه آن می‌گوید: «در گذشته آن‌گونه بودم و اکنون این‌گونه هستم».

۵۸

از پیامدهای مهم نگرش منکران معاد برای انسانی که بی‌نیابت‌طلب است و میل به جاودانگی دارد، این است که می‌کوشد راه فراموش کردن و غفلت از مرگ را پیش بگیرد و خود را به هر کاری سرگرم سازد تا آینده تلخی را که در انتظار دارد، فراموش کند.

۵۹

با توجه به ترجمه این آیه شریفه: «[کافران] گفتند: زندگی و حیاتی جز همین زندگی و حیات دنیایی ما نیست. همواره [گروهی از ما] می‌میریم و [گروهی] زنده می‌شویم و ما را فقط گذشت روزگار نابود می‌کند...» معاد وجود ندارد، مبنای سخنان منکران معاد است ارتضایی با اعتقاد به جاودانگی انسان ندارند (رد گزینه (۱) و (۲)) و هم‌چنین در ادامه آیه می‌فرماید: «... البته این سخن را از روی علم نمی‌گویند بلکه فقط ظن و خیال آنان است» (رد گزینه (۴)).

۶۰

آثار و پیامدهای انکار معاد، گریبان کسانی را نیز که معاد را قبول دارند، اما این قبول داشتن به ایمان و باور قلبی تبدیل نشده است، می‌گیرد. این افراد به دلیل فرو رفتن در هوس‌ها، دنیا را معبود و هدف خود قرار می‌دهند و از یاد آخرت غافل می‌شوند و از این رو، زندگی و رفتار آنان به گونه‌ای است که تفاوتی با منکران معاد ندارند.



رؤیاهای صادقه را نمی‌توان به بعد جسمانی و مادی (غیرمجرد) انسان نسبت داد؛ چرا که خروج از ظرف زمان و مکان در حالی رخ می‌دهد که جسم انسان در یک‌جا مثللاً رخت خواب آرمیده و هیچ جابه‌جایی برای آن رخ نداده است، یکی از محدودیت‌های بعد جسمانی و مادی انسان همین عدم امکان خروج از ظرف زمان و مکان است.

۷۰- ۳ بهر اسیدن از مرگ (فَلَاخَوْفٌ عَلَیْهِمْ) سبب می‌شود که دفاع از حق و مظلوم و فداکاری در راه خدا آسان‌تر شود و شجاعت به مرحله‌عالی آن برسد و آن‌گاه که حیات دنیا چیزی جز ننگ و ذلت نباشد و فداکاری در راه خدا ضروری باشد انسان‌ها به استقبال شهادت می‌روند.

امام حسین (ع) در این‌باره فرموده‌اند: «مرگ چیزی نیست مگر پلی که شما را از ساحل سختی‌ها به ساحل سعادت و کرامت و ... عبور دهد، پس کدام‌یک از شما کرامت دارد که از زندان به قصر منتقل شود؟»

۷۱- ۲ توحید در ربوبیت بدان معنا نیست که موجودات، به خصوص انسان، نقشی در پرورش و تدبیر سایر مخلوقات ندارند. باغبانی که زحمت می‌کشد و به پرورش درختان اقدام می‌کند، رشد این درختان نتیجه‌ی تدبیر اوست، بلکه توحید در ربوبیت بدین معناست که باغبان و تدبیرش همه از آن خدا و تحت تدبیر او هستند و نمی‌توانند مستقل از خداوند تدبیر کنند.

۷۲- ۲ اگر انسان به فضیلت‌ها آراسته شد، مقرب درگاه خدا و مسجود فرشتگان می‌شود و اگر به زدلیت‌ها تن داد تا اعماق جهنم سقوط می‌کند.

۷۳- ۲ دقت شود که پیامبران الهی و پیروان آنان مرگ را پایان‌بخش دفتر زندگی نمی‌پندارند؛ بلکه آن را غروب برای جسم و تن (نه روح و جان) و طلوعی درخشان‌تر برای روح انسان (نه جسم و تن) می‌دانند و با توجه به عبارت «لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» که دارای فعل ماضی استمراری است، استمرار دایمی بر این‌که سرای آخرت زندگی حقیقی است از این قسمت از آیه: «وَلِئِنْ دَلَّازَ الْآخِرَةَ لِيَهِيَ الْخَيَوَانُ» قابل برداشت است.

۷۴- ۴ توانایی درک واقعیات و تفکر و اندیشه، مربوط به بعد روحانی است که به دنبال کمالات نامحدود است و تجزیه و تحلیل نمی‌پذیرد (مستهلک نمی‌شود یعنی قابل استهلاک نیست). قوانین و مقررات جامعه روابط میان افراد بر پایه‌ی پذیرش «من» ثابت بنا شده‌اند.

۷۵- ۴ مقصود از خود حقیقی انسان، همان بعد روحانی است که شخصیت و من ثابت انسان را دربر می‌گیرد (درستی قسمت اول همه‌گزینه‌ها) شخصیت انسان یک محور ثابت و حقیقت تغییرناپذیر دارد که به پشتوانه‌ی آن می‌گوید: «گذشته‌ی آن‌گونه بودم؛ اکنون این‌گونه هستم.»

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱) شخصیت انسان وابسته به روح می‌باشد.
- ۲) من انسان، به جسم وابسته نیست.
- ۳) من انسان، نیاز به استدلال ندارد.

زبان انگلیسی

۷۶- ۳ به علت سطوح بالای آلودگی در شهر، اخیراً کارخانه توسط دولت محلی تعطیل شده است.

توضیح: فعل "shut down" تعطیل کردن، بستن) جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (the factory) پیش از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل مجهول نیاز داریم و پاسخ در بین گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) است.

دقت کنید: recently (اخیراً، به تازگی) جزء نشانه‌های زمان حال کامل است و نشان می‌دهد که از زمان انجام فعل مدت اندکی گذشته است.

۶۱- ۱ وجود مخلوقات جهان وابسته و نیازمند خداوند هستند «أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ»؛ اما خداوند بی‌نیاز و غنی است «وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْعَمِيمُ»؛ لذا این دو عبارت مقابل یکدیگرند و در ابتدای این آیه خطاب «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» آمده که منظورش همه‌ی مخلوقات از جمله انسان است.

۶۲- ۱ براساس آیه «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...» خداوند نور هستی است، یعنی تمام موجودات وجود خود را از او می‌گیرند و وجودشان به وجود او وابسته است (توحید در خالقیت) و شریک ساختن کسی در فرمانروایی خویش، مؤید توحید در ولایت است و این موضوع در آیه شریفه: «مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يَتَّبِعُنَا فِي حُكْمِهِ أَحَدًا: آن‌ها هیچ ولی [سرپرستی] جز او ندارند و او در فرمانروایی خویش کسی را شریک نمی‌سازد»، مشهود است.

۶۳- ۱ برخی از انسان‌ها قسمت‌هایی از بدن خود را در حادثه‌ای از دست می‌دهند، اما نه خودشان و نه دیگران احساس نمی‌کنند که قدری از هویت و من او کم شده باشد و این نشان می‌دهد که ثبات هویت و خود ما ناشی از ثبات اندام‌های ما نیست.

۶۴- ۲ اندیشه، بهار جوانی را برطراوت و زیبا می‌سازد، استعداد‌ها را شکوفا می‌کند و امید به آینده‌ی زیباتر را نوید می‌بخشد؛ علاوه بر این‌که می‌تواند برترین عبادت باشد. هر چه معرفت انسان به خود و رابطه‌اش با خدا بیش‌تر شود، نیاز به او را بیش‌تر احساس و ناتوانی و فقر و بندگی خود را بیش‌تر ابراز می‌کند، همان‌طور که پیامبر اکرم (ص) با آن مقام و منزلت در پیشگاه الهی عاجزانه از خداوند می‌خواهد که برای یک لحظه هم، لطف و رحمتش را از او نگیرد و او را به حال خود واگذارد نکند (فقر و نیازمندی). «اللَّهُمَّ لَا تَكِلْنِي إِلَيَّ نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا: خدایا هیچ‌گاه مرا چشم به هم زدن به خودم واگذار.»

۶۵- ۴ براساس آیه شریفه «مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَاخَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» هر کس که به خدا و روز آخرت ایمان دارند و عمل صالح انجام می‌دهند نه ترسی بر آنان است و اندوهگین نمی‌شوند»، معتقدین به معاد، مرگ را پایان‌بخش دفتر زندگی نمی‌پندارند، بلکه آن را غروبی برای جسم و تن انسان و طلوعی درخشان‌تر برای روح انسان می‌دانند.

۶۶- ۱ رابطه وجود ما با وجود خداوند مانند رابطه پرتوهای نور با منبع آن است؛ یعنی تا حدودی شبیه رابطه جریان برق با مولد آن است. همان‌طور که اگر خورشید نورافشانی نکند دیگر اثری از پرتوهای آفتاب نیست، اگر خداوند هستی‌بخشی نکند، دیگر موجودی در جهان باقی نخواهد بود (نیازمندی جهان در بقا). در گزینه (۲) و (۴) به مفهوم نور بودن خداوند اشاره شده است.

۶۷- ۳ ماجرای خواب حضرت یوسف (ع) نمونه‌ای از اصالت رؤیاهای راستین در منظر قرآن کریم است و این امر دلیلی بر اثبات بعد مجرد و روحانی است.

۶۸- ۴ هر موجود جسمانی، در زمان و مکان خاص قرار دارد و نمی‌تواند در یک زمان در دو مکان باشد، اما در رؤیاهای صادقه می‌بینیم که شخص هم‌زمان در دو مکان قرار می‌گیرد و این موضوع از عهده جسم برنمی‌آید، لذا این از قابلیت‌های بعد روحانی است.

۶۹- ۲ قرآن کریم اصالت رؤیاهای صادقه (راستین) را پذیرفته است و ماجرای حضرت یوسف (ع) یک دلیل بر همین اصالت است.



۱۷۷ او تلفنش را در تئاتر خاموش نکرد و آن در طول نمایش زنگ می‌خورد.

توضیح: با توجه به این‌که مفعول فعل جای خالی اول (یکی از افعال مرکب **turn off** و **switch off**) یعنی "his phone" بعد از جای خالی آمده است، در این جای خالی به فعل معلوم نیاز داریم و پاسخ در بین گزینه‌های (۱) و (۲) است.

دقت کنید: فعل "ring" (زنگ خوردن) در این جمله در معنی لازم به کار رفته است و اساساً دارای مفعول نیست که بتوانیم آن را مجهول کنیم.

۷۸ ۳ قصد دارم برای آنا برای تولدش یک کتاب در مورد گرهبها بخرم چون آن‌ها را دیوانه‌وار دوست دارم.

توضیح: از ساختار «شکل ساده فعل + **be going to**» برای بیان انجام کاری در زمان آینده با قصد و برنامه‌ریزی قبلی استفاده می‌شود.

۷۹ ۴ دیشب یک مرد بیست و دو ساله ناشناس در یک مزرعه متروکه بهوش پیدا شد.

توضیح: طبق مفهوم جمله در این‌جا به فعل "find" (پیدا کردن، یافتن) نیاز داریم که شکل گذشته و قسمت سوم آن "found" است، نه فعل "found" (بنا کردن، تأسیس کردن) که شکل گذشته ساده و قسمت سوم آن "founded" است.

دقت کنید: هر چند هر چهار گزینه این تست دارای ساختار مجهول است، تنها گزینه (۴) از نظر معنایی و همین‌طور زمان جمله (گذشته ساده) صحیح است.

۸۰ ۱ او یک دفتر خاطرات نگه می‌دارد و هر روز صبح وقتی بیدار می‌شود جزئیات رؤیایش را در آن می‌نویسد.

۱) دفتر خاطرات (۲) عنوان
۳) خاطره؛ حافظه (۴) موضوع، مبحث

۸۱ ۳ قاره آفریقا با حیات وحش شگفت‌انگیز و مناظر زیبایش مدت‌هاست منشأ حیرت بی‌پایان بوده است.

۱) توصیف، شرح (۲) تولید؛ نسل
۲) حیات وحش (۴) وجود، هستی

۸۲ ۳ مطالعات نشان می‌دهند که تنها کسری از یک میلیارد فرد جوان جهان می‌دانند چگونه از خودشان در برابر ابتلا به HIV محافظت کنند.

۱) افزایش دادن؛ افزایش یافتن
۲) تقویت کردن؛ ترفی دادن

۳) محافظت کردن از؛ نگهداری کردن از
۴) بخشیدن، چشم پوشیدن از

۸۳ ۴ در زاین شخص باید هدایا را با هر دو دست بدهد و بگیرد؛ این به عنوان حرکتی حاکی از احترام و ادب در نظر گرفته می‌شود.

۱) کارکرد، عملکرد (۲) توصیه، نصیحت
۳) احساس، عاطفه (۴) احترام، جنبه، وجه

۸۴ ۴ دانشمندان اکنون در حال نقشه‌برداری از الگوهای بی‌تفاوت‌های بسیار کوچک در DNA هستند که یک انسان را از دیگری متمایز می‌کند.

۱) درک کردن، فهمیدن (۲) وصل کردن، متصل کردن
۳) جایگزین کردن؛ جانشین شدن (۴) تشخیص دادن؛ متمایز کردن

۸۵ ۱ در [سال] ۱۹۵۳، طوفانی عظیم منجر به سیل در سرتاسر استان زلاند در هلند شد [و] ۱۸۰۰ نفر را غرق کرد و ۱۳۰ شهر را به طور کامل ویران ساخت.

۱) تخریب کردن، ویران کردن (۲) جای ... را پیدا کردن
۳) شامل ... بودن، دربر داشتن (۴) قرار دادن، گذاشتن

۸۶ ۴ در مطالعات پی‌درپی نشان‌دهنده شده است که ویتامین C در پی‌گیری از سرماخوردگی‌ها و عفونت‌ها مفید است.

۱) احتمالی، محتمل (۲) شگفت‌زده، حیرت‌زده
۳) علاقمند (۴) پی‌درپی، تکراری

۸۷ ۲ سردترین محل مسکونی جهان نوریلسک [در] روسیه است، جایی که دمای متوسط ۱۰- درجه سلسیوس است.

۱) گرما، حرارت (۲) اندازه‌گیری
۳) دما، درجه حرارت (۴) وضعیت؛ شرط

بعضی نقاط جهان، مانند جنگل‌های گرمسیر بارانی آمریکای جنوبی در طول سال گرم و مرطوب هستند. مناطق دیگر مثل قطب شمال زمستان‌های طولانی [و] فوق‌العاده سرد دارند. شرایطی از این دست به عنوان اقلیم یک منطقه شناخته می‌شوند. اقلیم با آب و هوا یکسان نیست. آب و هوا می‌تواند ظرف چند دقیقه تغییر کند؛ [در صورتی‌که] اقلیم شرایط آب و هوایی یک منطقه را در دوره‌ای طولانی توصیف می‌کند. هر منطقه اقلیم [خاص] خودش را دارد. این (یعنی اقلیم منطقه) بستگی به [این موضوع] دارد که آن [منطقه] چقدر به استوا نزدیک است، که تعیین می‌کند چه میزان حرارت از خورشید دریافت می‌کند. چشم‌انداز نیز اقلیم را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ مناطق مرتفع کوهستانی، مانند هیمالیا سردتر از مکان‌های کمرافق مجاور هستند. اقیانوس می‌تواند از خیلی گرم یا خیلی سرد شدن یک منطقه ساحلی جلوگیری کند، در حالی‌که آب و هوا در مرکز یک قاره نامتعادل‌تر است. اقلیم یک منطقه بر چشم‌انداز و زندگی [ساکنان مثل] پوشاک، محصولات و مسکن تأثیرگذار است.

۸۸ ۱ **توضیح:** در هر چهار گزینه این تست با ساختار مجهول فعل "know" سر و کار داریم، ولی با توجه به این‌که فعل مجهول به امری کلی اشاره دارد که مفید به بازه زمانی به خصوصی نیست، آن را در زمان حال ساده نیاز داریم.

دقت کنید: در جملات مجهول، فعل مجهول بعد از مفعول جمله معلوم (conditions such as these) به کار می‌رود، نه در انتهای جمله.

۸۹ ۳ ۱) بیان کردن، ذکر کردن (۲) در نظر گرفتن، لحاظ کردن
۳) توصیف کردن، شرح دادن (۴) وصل کردن، مرتبط کردن

۹۰ ۴ **توضیح:** با توجه به این‌که کلمه در مورد مقدار اسم غیرقابل شمارش (heat) است، در جای خالی از "how much" استفاده می‌کنیم.

۹۱ ۲ **توضیح:** فاعل فعل "influence" (یعنی landscape) پیش از جای خالی قرار گرفته است؛ بنابراین این فعل را به صورت معلوم نیاز داریم، نه مجهول.

دقت کنید: در این‌جا فعل معلوم به امری کلی اشاره دارد که مفید به بازه زمانی به خصوصی نیست، بنابراین در زمان حال ساده مدنظر است.

۹۲ ۴

- (۱) عوض کردن، تغییر دادن
- (۲) پردازش کردن
- (۳) جای ... را پیدا کردن
- (۴) جلوگیری کردن از، پیشگیری کردن از

همهٔ سلول‌های گیاهی قادر به جذب آب هستند. حتی [سلول]‌های مرده [نیز این کار را] تا حدی انجام می‌دهند. جذب آب توسط دیواره‌های (جدارهای) سلول مرده باعث می‌شود چوب بزرگ‌تر شود. در گیاهان متداول زمینی، سلول‌های زندهٔ ریشه‌ها بیش‌تر آب را جذب می‌کنند. با این وجود، گیاهان زمینی بدون ریشه [هم] وجود دارند. آن گل‌سنگ‌های زرد مایل به سبز [که] روی سنگ‌ها در کوه‌های مرتفع دیده‌اید، ریشه ندارند. نیم میلیارد سال پیش، زمانی که ورود گیاهان آبری به زمین شروع شد، نخستین گیاهان زمینی ریشه نداشتند. آدم حتی در بین گیاهان گلدار، گونه‌های بدون ریشه پیدا می‌کند. این گیاهان گلدار «گیاهان برتر» هستند، زیرا به تازگی تکامل یافته‌اند و بنابراین در مقیاس تکاملی، برتر در نظر گرفته می‌شوند. در کویر پترو، یکی از این گیاهان بدون ریشه پترو، [یعنی] یک برملیاد رشد می‌کند. آن از خانوادهٔ آناناس است. حتی اگر این گیاه ریشه داشت، [برایش] فایده‌ای ندارد، زیرا جایی که این گیاه رشد می‌کند، هرگز باران نمی‌بارد. این گیاه آب [مورد نیاز] خود را از شبنمی [که] در شب، هنگام خنک شدن برگ‌هایش فراهم می‌آورد، دریافت می‌کند. البته این قبیل گیاهان بدون ریشه، با سهولت می‌توانند جابه‌جا شوند، اما آن‌ها فقط زمانی رشد خواهند کرد که در فضای باز قرار بگیرند. اگر آن‌ها خیلی نزدیک خانه قرار بگیرند، تشعشع ناشی از گرمای خانه مانع از خنک شدن برگ‌ها می‌شود و از این‌رو از تشکیل شبنم جلوگیری می‌کند و گیاه می‌میرد. در ایالات متحدهٔ جنوبی و پورتوریکو، شخص برملیادهای بلند در حال رشد را بر فراز خیابان‌ها روی عایق‌بندی سیم‌های برقی می‌بیند. این گیاهان آب [مورد نیاز] خود را از باران دریافت می‌کنند و تنها خاکی که در هر زمانی با آن در تماس هستند، گرد و غباری می‌باشد که ممکن است روی برگ‌های آن‌ها [توسط باد] دمیده شود.

۹۳ ۲

- (۱) دیواره‌های سلول مرده
- (۲) ورود آب به سلول‌های مرده
- (۳) رشد سلول‌ها
- (۴) مرگ سلول‌ها

۹۴ ۳

ما از متن متوجه می‌شویم که مقیاس تکاملی بر مبنای

- (۱) هوش
- (۲) ارتفاع و عمق
- (۳) زمان
- (۴) انواع

۹۵ ۴

- (۱) «برملیاد» گیاهی است که
- (۲) ریشه‌های بی‌کاربردی دارد
- (۳) آناناس است
- (۴) می‌تواند همه‌جا رشد کند
- (۵) از طریق برگ‌هایش آب جذب می‌کند

۹۶ ۲

- (۱) مناسب‌ترین عنوان برای این متن
- (۲) جذب آب توسط برملیاد
- (۳) گیاهان بی‌ریشه
- (۴) گیاهان نیازمند ریشه برای زنده ماندن

او در ۸۵ سالگی شروع به اسکیت‌بازی کرد، اولین نمایش فیلمش را در ۱۱۴ سالگی انجام داد، و در تولد ۱۲۱ سالگی‌اش کنسرتی در محله برگزار کرد.

زمانی که [موضوع] عمر طولانی مطرح می‌شود، [می‌توان گفت] ژان کالمان دارندهٔ رکورد جهان است. او تا سن ۱۲۲ سالگی عمر کرد. لذا آیا [سال] حد بالایی برای طول عمر انسان است؟ اگر دانشمندان نوعی قرص یا رژیم غذایی به وجود آورند که [آنها] بپیر شدن را کند کند، آیا ممکن است ما به [سن] ۱۵۰ [سال] یا فراتر برسیم؟

محققان کاملاً با پاسخ‌های این سوآلات موافق نیستند. جری شی در دانشگاه تگزاس می‌گوید «کالمان تا ۱۲۲ [سالگی] عمر کرد، بنابراین اگر کسی که امروز در قید حیات است به ۱۳۰ یا ۱۳۵ [سالگی] برسد، این [موضوع] مرا متعجب نخواهد کرد.»

استیو اوستد در دانشگاه تگزاس [نیز] موافق است. او می‌گوید «مردم می‌توانند بسیار طولانی‌تر از [آن‌چه که] فکر می‌کنیم، زندگی کنند. [در گذشته] متخصصان می‌گفتند که انسان‌ها نمی‌توانند بیش‌تر از ۱۱۰ [سال] زندگی کنند. وقتی کالمان از آن سن گذشت، آن‌ها این رقم را به ۱۲۰ افزایش دادند. پس چرا نتوانیم بالاتر برویم؟»

مشکل با حدس زدن [این‌که] افراد مسن چقدر می‌توانند عمر کنند، این است که تمام آن فقط حدس است. ریچ میلر در دانشگاه میشیگان می‌گوید «هر کسی می‌تواند یک عدد برآورد کند. معمولاً دانشمندی که بالاترین عدد را انتخاب می‌کند، نامش در مجلهٔ تایم [به چاپ] می‌رسد.»

آیا تکنیک‌های جدید ضد پیری ما را قرن‌ها زنده نگه نمی‌دارد؟ میلر می‌گوید «هر درمانی برای پیری شدن احتمالاً بیش‌تر ما را تا حدود ۱۲۰ [سالگی] زنده و فعال نگه می‌دارد.» میلر می‌گوید «محققان در حال کار روی درمان‌هایی هستند که طول عمر موش‌ها را حداکثر تا ۵۰ درصد افزایش دهند. بنابراین، اگر طول عمر متوسط انسان حدود ۸۰ سال است، [با] افزودن ۵۰ درصد دیگر، شما را به ۱۲۰ [سالگی] می‌رساند.»

۹۷ ۱

داستان ژان کالمان چه چیزی را به ما اثبات می‌کند؟

- (۱) انسان‌ها می‌توانند بیش از ۱۲۰ سال زندگی کنند.
- (۲) افراد پیر به اندازهٔ هر زمانی در گذشته خلاق هستند.
- (۳) زنان حتی در سن ۸۵ [سالگی] اهل ورزش هستند.
- (۴) زنان طولانی‌تر از مردان زندگی می‌کنند.

۹۸ ۴

به گفتهٔ استیو اوستد در دانشگاه تگزاس

- (۱) طول عمر متوسط انسان می‌تواند ۱۱۰ [سال] باشد
- (۲) دانشمندان نمی‌توانند روش‌هایی را برای کند کردن پیری بیابند
- (۳) افراد اندکی می‌توانند انتظار داشته باشند تا بالای ۱۵۰ [سالگی] زندگی کنند

(۴) پژوهشگران مطمئن نیستند انسان‌ها می‌توانند چه مدت زندگی کنند

۹۹ ۳

کلمهٔ «they» در پاراگراف ۴ به «experts» اشاره دارد.

- (۱) انسان‌ها
- (۲) افراد، مردم
- (۳) متخصصان
- (۴) شی و اوستد

۱۰۰ ۲

چه کسی [با این دیدگاه] موافق خواهد بود که اگر یک دانشمند بی‌حساب و کتاب‌ترین حدس را در مورد عمر طولانی بزند، وی معروف خواهد شد؟

- (۱) جری شی
- (۲) استیو اوستد
- (۳) ریچ میلر
- (۴) ژان کالمان



۴ ۱۱۳

$$a = -2 \rightarrow (3(-2) + 2)x^2 - 2(-2-1)x + 4 = 0$$

جانگیرین در معادله

$$\Rightarrow -4x^2 + 6x + 4 = 0 \quad \div 2 \rightarrow -2x^2 + 3x + 2 = 0$$

$$\Rightarrow \Delta = b^2 - 4ac = (3)^2 - 4(-2)(2) = 9 + 16 = 25$$

$$x_1, x_2 = \frac{-b \pm \sqrt{\Delta}}{2a} = \frac{-3 \pm \sqrt{25}}{2(-2)}$$

$$\Rightarrow \begin{cases} x_1 = \frac{-3+5}{-4} = -\frac{2}{4} = -\frac{1}{2} \\ x_2 = \frac{-3-5}{-4} = \frac{-8}{-4} = 2 \end{cases}$$

ریشه دیگر

۳ ۱۱۹ نکته: شرط آن که در معادله درجه دوم، ریشه‌ها معکوس

یکدیگر باشند آن است که $a = c$ باشد.

$$2x^2 - 7x + (m+2) = 0$$

$$\begin{cases} a = 2 \\ b = -7 \Rightarrow a = c \Rightarrow m + 2 = 2 \Rightarrow m = 2 - 2 = 0 \\ c = m + 2 \end{cases}$$

$$\xrightarrow{m=0} 2x^2 - 7x + (1+2) = 0 \Rightarrow 2x^2 - 7x + 3 = 0$$

$$\Rightarrow \Delta = b^2 - 4ac = (-7)^2 - 4(2)(3) = 49 - 24 = 25$$

۱ ۱۲۰

$$\frac{1+2(x-2)}{(x-2)^2} = 4 \Rightarrow 1+2x-6 = 4(x-2)^2$$

$$\Rightarrow 2x-5 = 4(x^2-4x+4) \Rightarrow 2x-5 = 4x^2-16x+16$$

$$\Rightarrow 4x^2-16x+16-2x+5 = 0 \Rightarrow 4x^2-18x+21 = 0$$

$$\Delta = (-18)^2 - 4(4)(21) = 324 - 336 = -12$$

$$x_1, x_2 = \frac{-(-18) \pm \sqrt{\Delta}}{2(4)} \Rightarrow \begin{cases} x_1 = \frac{19+5}{8} = \frac{24}{8} = 3 \\ x_2 = \frac{19-5}{8} = \frac{14}{8} = \frac{7}{4} \end{cases}$$

هر دو جواب قابل قبول هستند، زیرا مخرج‌ها را صفر نمی‌کنند.

۳ ۱۲۱

$$\text{مجموع ریشه‌ها: } S = 3 - \frac{7}{4} = \frac{5}{4}$$

$$\text{ضرب ریشه‌ها: } P = 3 \times \left(-\frac{7}{4}\right) = -\frac{21}{4}$$

$$x^2 - Sx + P = 0 \Rightarrow x^2 - \frac{5}{4}x - \frac{21}{4} = 0 \quad \times 4 \rightarrow 4x^2 - 5x - 21 = 0$$

$$2x^2 - 2x - 9 = 0$$

۲ ۱۲۲

$$\begin{cases} x_1 + x_2 = -\frac{b}{a} = \frac{-(-9)}{1} = 9 \\ x_1 = 2x_2 \end{cases} \Rightarrow 2x_2 + x_2 = 9$$

$$\Rightarrow 3x_2 = 9 \Rightarrow x_2 = \frac{9}{3} = 3$$

$$x_1 = 2(3) = 6$$

$$x_1 \times x_2 = 3 \times 6 = 18$$

$$\binom{n}{2} = 26 \Rightarrow \frac{n!}{(n-2)!2!} = 26 \Rightarrow \frac{n(n-1)(n-2)!}{(n-2)!2!} = 26$$

$$\Rightarrow n(n-1) = 2 \times 26 \Rightarrow n^2 - n - 52 = 0 \Rightarrow (n-9)(n+8) = 0$$

$$\Rightarrow \begin{cases} n-9=0 \Rightarrow n=9 \\ n+8=0 \Rightarrow n=-8 \text{ قبول } \end{cases}$$

مجموعه مفروض، ۹ عضو دارد و تعداد زیرمجموعه‌های اعضای آن برابر است:

$$\binom{9}{3} = \frac{9!}{6!3!} = \frac{9 \times 8 \times 7 \times 6!}{6! \times 3 \times 2 \times 1} = 84$$

۴ ۱۱۴

$$C(n, 10) = \frac{n!}{(n-10)!10!}$$

$$C(n, 9) = \frac{n!}{(n-9)!9!}$$

$$C(n, 10) = 2C(n, 9) \Rightarrow \frac{n!}{(n-10)!10!} = 2 \times \frac{n!}{(n-9)!(n-9)!9!}$$

$$\Rightarrow \frac{1}{10 \times 9!} = \frac{2}{(n-9) \times 9!} \Rightarrow \frac{1}{10} = \frac{2}{n-9} \Rightarrow n-9=20 \Rightarrow n=29$$

۳ ۱۱۵

تعداد اعضای فضای نمونه‌های آزمایش یرتاب دو سکه و سه تاس

$$= 2 \times 2 \times 6 \times 6 \times 6 = 864$$

۳ ۱۱۶ شرط آن که هر دو ریشه معادله درجه دوم صفر باشد، آن است

که $b = c = 0$ باشد.

$$x^2 - (m+1)x - n + 4 = 0 \Rightarrow \begin{cases} a = 1 \\ b = -(m+1) \\ c = -n + 4 \end{cases}$$

$$b = c = 0 \Rightarrow \begin{cases} b = 0 \Rightarrow -(m+1) = 0 \Rightarrow m+1=0 \Rightarrow m=-1 \\ c = 0 \Rightarrow -n+4=0 \Rightarrow -n=-4 \Rightarrow n=4 \end{cases}$$

$$m+n = -1+4 = 3$$

۲ ۱۱۷

$$(2x - \frac{1}{3})^2 = \frac{4x^2}{9} + \frac{2}{9}x + \frac{1}{9} \Rightarrow (2x - \frac{1}{3})^2 = (\frac{1}{3}x + \frac{1}{3})^2$$

اتحاد مربع مجموع دو جمله‌ای

$$\Rightarrow 2x - \frac{1}{3} = \pm(\frac{1}{3}x + \frac{1}{3}) \Rightarrow$$

$$\begin{cases} 2x - \frac{1}{3} = \frac{1}{3}x + \frac{1}{3} \Rightarrow 2x - \frac{1}{3}x = \frac{1}{3} + \frac{1}{3} \Rightarrow \frac{5}{3}x = \frac{2}{3} \Rightarrow x = \frac{2}{5} \\ 2x - \frac{1}{3} = -\frac{1}{3}x - \frac{1}{3} \Rightarrow 2x + \frac{1}{3}x = -\frac{1}{3} - \frac{1}{3} \Rightarrow \frac{7}{3}x = -\frac{2}{3} \Rightarrow x = -\frac{2}{7} \end{cases}$$

۱ ۱۱۸ می‌دانیم جواب هر معادله در خود معادله صدق می‌کند:

$$\xrightarrow{x=2} (2a+2)(2)^2 - 2(a-1)(2) + 4 = 0$$

$$\Rightarrow (2a+2)(4) - 2(a-1)(2) + 4 = 0$$

$$\Rightarrow 12a + 8 - 4a + 4 + 4 = 0 \Rightarrow 8a + 16 = 0 \Rightarrow 8a = -16$$

$$\Rightarrow a = -\frac{16}{8} = -2$$



۱۳۰ ۲ این استدلال به صورت زیر است:

مقدمه ۱: اگر p آن گاه q
مقدمه ۲: q

∴

نتیجه این استدلال می‌تواند درست یا نادرست باشد، به طور کلی روش این
نوع نتیجه‌گیری که مقایسه نام دارد، قطعاً نادرست است.۱۳۱ ۳ اگر X و Y مختلف‌العلامت باشند، جهت نامساوی عوض
نمی‌شود.

$$-3 < 5 \Rightarrow -\frac{1}{3} < \frac{1}{5}$$

۱۳۲ ۳ چون X می‌تواند صفر باشد، بنابراین حق نداریم طرفین تساوی
را بر صفر تقسیم کنیم.

۱۳۳ ۱ بررسی گزینه‌ها:

(۱) با عکس نقیض ثابت می‌شود:

$$n \neq rk \Rightarrow n = rk + m \xrightarrow{\substack{m=1 \\ \text{طرفین به توان } 2}} n^2 = (rk + m)^2$$

$$\Rightarrow n^2 = \underbrace{rk^2 + 6km + m^2}_S \Rightarrow n^2 = 2(rk^2 + 2km) + m^2$$

پس مشخص است که n^2 مضربی از ۲ نیست.۱۳۴ ۲ با استدلال استنتاجی: $4k - 2 \xrightarrow{\text{برابر } 2} 2k - 1 = 2k - 1 = \text{عدد فرد}$

$$\xrightarrow{+2} 2 + 4k - 2 = 4k$$

(۳) می‌توان آن را با یک مثال، نقض کرد:

$$\begin{array}{ccc} \text{عدد گویا} & \times & \text{عدد گنگ} \\ \downarrow & & \downarrow \\ \sqrt{2} & \times & 0 = 0 \end{array}$$

(۴)

$$n = 2k - 1 \Rightarrow n^2 + 1 = (2k - 1)^2 + 1 = 4k^2 - 4k + 1 + 1 = 4k^2 - 4k + 2$$

عدد $2m$ همواره زوج است.

۱۳۴ ۴

۱۳۵ ۲ در موارد (ج) و (د) روش استدلال به صورت زیر بوده که
نادرست است:

$$p \Rightarrow q$$

$$\frac{q}{p}$$

$$\therefore p$$

و درست آن به این صورت است:

$$p \Rightarrow q$$

$$\frac{p}{q}$$

$$\therefore q$$

اقتصاد

۱۳۶ ۴ تفاوت انسان‌ها در توانایی‌ها موجب می‌شود افراد برای رفع
همه نیازهای خود به تعاون و همکاری پرداخته و بنابراین هر فرد در تولیدی
تخصص یابد و به این ترتیب تقسیم کار در اجتماع صورت گیرد که در
نتیجه موجب مطرح شدن مباحثی مانند مبادله، معامله، خرید و فروش و
تجارت در جوامع می‌شود.

$$2x - 1 = 0 \Rightarrow 2x = 1 \Rightarrow x = \frac{1}{2}$$

$$x^2 - 2x - 3 = 0 \Rightarrow (x - 3)(x + 1) = 0 \Rightarrow \begin{cases} x - 3 = 0 \Rightarrow x = 3 \\ x + 1 = 0 \Rightarrow x = -1 \end{cases}$$

$$\text{مجموع ریشه‌ها} = \left(\frac{1}{2}\right) + (2) + (-1) = \frac{1}{2} + 2 - 1 = \frac{1 + 4 - 2}{2} = \frac{3}{2}$$

۱۳۴ ۴

$$\begin{aligned} & \Rightarrow (2x + 3)^2 = (2x + 2)^2 + x^2 \\ & \Rightarrow 4x^2 + 12x + 9 = 4x^2 + 8x + 4 + x^2 \\ & \Rightarrow 4x^2 + 12x + 9 - 4x^2 - 8x - 4 - x^2 = 0 \\ & \Rightarrow -x^2 + 4x + 5 = 0 \end{aligned}$$

$$\Rightarrow -x^2 + 4x + 5 = 0 \xrightarrow{\times(-1)} x^2 - 4x - 5 = 0$$

$$\Rightarrow (x - 5)(x + 1) = 0 \Rightarrow \begin{cases} x - 5 = 0 \Rightarrow x = 5 \\ x + 1 = 0 \Rightarrow x = -1 \end{cases}$$

$$\text{محیط} = (2(5) + 2) + (2(5) + 2) + (5) = 13 + 12 + 5 = 30$$

۱۳۵ ۲

$$\begin{cases} a = 4 \\ 4x^2 + 2mx - m + 3 = 0 \Rightarrow b = 2m \\ c = 3 - m \end{cases}$$

$$\begin{aligned} \Delta = 0 & \Rightarrow \Delta = b^2 - 4ac = (2m)^2 - 4(4)(3 - m) \\ & = 4m^2 - 48 + 16m = 0 \end{aligned}$$

$$\Rightarrow 4m^2 + 16m - 48 = 0 \xrightarrow{+4} m^2 + 4m - 12 = 0$$

$$\Rightarrow (m - 2)(m + 6) = 0 \Rightarrow \begin{cases} m - 2 = 0 \Rightarrow m = 2 \\ m + 6 = 0 \Rightarrow m = -6 \end{cases}$$

$$\text{ریشه مضاعف معادله } x = -\frac{b}{2a} = -\frac{2m}{2(4)}$$

$$\begin{cases} m = 2 \Rightarrow x = -\frac{2(2)}{4} = -\frac{1}{2} \\ m = -6 \Rightarrow x = -\frac{2(-6)}{4} = \frac{3}{2} \end{cases}$$

$$\text{ریشه مثبت } \frac{3}{2} = \frac{3}{2}$$

۱۳۶ ۲

$$x^2 - 2x + 1 = 0 \Rightarrow (x - 1)^2 = 0 \Rightarrow x - 1 = 0 \Rightarrow x = 1$$

مجموعه A همان دامنه تابع است، پس: $D_f = \mathbb{R} - \{1\}$

۱۳۷ ۱

$$\frac{\Delta - 2x}{4x - 1} = \frac{1}{2} \Rightarrow 10 - 4x = 4x - 1$$

$$\Rightarrow -4x - 4x = -1 - 10 \Rightarrow -8x = -11 \Rightarrow x = \frac{-11}{-8} = \frac{11}{8}$$

۱۳۸ ۱

نموداری معرف تابع است که هر خط موازی محور Y ها، نمودار
تابع را حداکثر در یک نقطه قطع کند.

۱۳۹ ۲ صحیح آن به صورت زیر است:

$$3\sqrt{x} \geq 2x^2$$



۱۴۴ ۳ بررسی عبارت‌هاک نادرست:

- (ب) افزایش تعداد تولیدکنندگان در بازارهای رقابتی به سود مصرف‌کننده است.
(ج) در بازار انحصاری فروش، قیمت‌گذار فروشنده انحصارگر است.
(د) در بازارهای انحصاری فروش، قیمت‌گذار فروشنده و قیمت‌پذیر خریدار است.
برعکس در بازارهای انحصاری خرید، قیمت‌گذار خریدار و قیمت‌پذیر فروشنده است.
(و) برای تشکیل بازارهای انحصاری و رقابتی، وجود یک مکان خاص الزامی نیست.
(ز) انحصار طبیعی و قانونی مشروط به مواظبت و مقررات‌گذاری‌های صحیح دولت می‌تواند برای مصرف‌کننده سودمند باشد.

۱۴۵ ۴ هرگاه قیمت متغیر و سایر عوامل مؤثر در میزان عرضه و تقاضا

ثابت باشند، فقط مکان هندسی نقاط روی منحنی‌ها جابه‌جا می‌شود؛ به این ترتیب که افزایش قیمت‌ها موجب جابه‌جایی مکان هندسی نقطه روی منحنی عرضه به سمت راست خود و روی منحنی تقاضا به سمت چپ خود می‌شود. کاهش قیمت‌ها موجب جابه‌جایی مکان هندسی نقطه روی منحنی عرضه به سمت چپ خود و روی منحنی تقاضا به سمت راست خود می‌شود.

در صورتی که قیمت ثابت فرض شده و سایر عوامل متغیر باشد، تغییرات قیمت به نفع عرضه کل منحنی را به سمت راست و تغییرات قیمت به ضرر عرضه کل منحنی را به سمت چپ جابه‌جا می‌کند و در مورد تقاضا نیز تغییرات قیمت به نفع تقاضا کل منحنی را به سمت راست و تغییرات قیمت به ضرر تقاضا کل منحنی را به سمت چپ جابه‌جا می‌کند.

علوم و فنون ادبی

۱۴۶ ۳ در سال‌های انقلاب مشروطه در نثر فارسی دگرگونی‌هایی به‌وجود می‌آید که نثر را به سمت سادگی و بی‌پیرایگی سوق می‌دهد؛ مانند رواج و گسترش روزنامه‌نگاری، روی آوردن به ترجمه و ادبیات داستانی بر اثر ارتباط با ادبیات اروپا و تغییر مخاطب نوشته‌ها اشاره کرد.

۱۴۷ ۱ عبارت سؤال معرف مزایده عشقی است.

۱۴۸ ۳ نام مؤسسان انجمن‌های ادبی: نشاط «ب»: عبدالوهاب نشاط / اصفهان «د»: مشتاق اصفهانی / خاقان «ه»: فتحعلی شاه

۱۴۹ ۳ خداوندنامه: حماسه‌ای مذهبی در بیان معجزات پیامبر (ص) و دلیری‌های حضرت علی (ع)

۱۵۰ ۲ در زمان نادرشاه و کریم‌خان زند، مشتاق اصفهانی با همراهی چند تن دیگر از ادیبان انجمن ادبی اصفهان را اداره می‌کرد.

۱۵۱ ۴ فتحعلی‌خان صبا را «پرچم‌دار بازگشت ادبی و شاخص‌ترین شاعر دوره بازگشت» لقب داده‌اند.

۱۵۲ ۲ بیت صورت سؤال سروده عبدالوهاب نشاط است.

۱۵۳ ۲ بیت صورت سؤال سروده فتحعلی‌خان صبا است.

۱۵۴ ۱ (ب) سروش اصفهانی: قصیده‌سرایی به سبک شاعران خراسانی و سلجوقی

(ج) مجمر اصفهانی: غزل‌سرایی به سبک حافظ و سعدی و به طور کلی شاعران سبک عراقی

بررسی سایر گزینه‌ها:

(الف) صبا کاشانی: قصیده‌سرایی به سبک شاعران خراسانی و سلجوقی

(د) نشاط اصفهانی: غزل‌سرایی به سبک حافظ و سعدی و به طور کلی شاعران سبک عراقی

(ه) فروغی بسطامی: غزل‌سرایی به سبک حافظ و سعدی و به طور کلی شاعران سبک عراقی

۱۳۷ ۲ بازار یک کالای خاص در واقع به ارتباط بین خریداران و فروشنده‌گان آن کالا گفته می‌شود و محدود به مکانی خاص نمی‌شود؛ یعنی می‌تواند از طریق تلفن، نامه، فکس و فضای مجازی و اینترنتی نیز صورت گیرد.

۱۳۸ ۱ (الف) عوامل مؤثر بر میزان تقاضا عبارت‌اند از:

- ۱- قیمت (عامل اصلی)
- ۲- درآمد
- ۳- سلیقه شخصی
- ۴- اثر تبلیغات
- ۵- قیمت سایر کالاها

(ب) منحنی تقاضا یک منحنی معمولاً نزولی است؛ یعنی با افزایش قیمت یک کالا، مقدار تقاضا کاهش می‌یابد و برعکس با کاهش قیمت آن کالا، مقدار تقاضا افزایش خواهد یافت.

۱۳۹ ۳ اگر مردم نسبت به تغییرات قیمت یک کالا عکس‌العمل زیادی از خود نشان ندهند، می‌گوییم اصطلاحاً حساسیت قیمتی برای تقاضای این کالا کم است و تغییرات قیمت تأثیر چندانی در میزان تقاضای آن ندارد. منحنی تقاضا برای این کالا با شیب زیاد رسم می‌شود.

۱۴۰ ۴ در بازار انحصاری فروش، انحصارگر که فروشنده است، قیمت‌گذار می‌باشد، ولی برای محصول خود هر قیمتی که تمایل داشته باشد، تعیین می‌کند، اما در مناقصه، فروشنده با ارائه کم‌ترین قیمت می‌تواند محصول خود را به بزرگوارکننده بازار یعنی خریدار بفروشد.

۱۴۱ ۳ (الف) در قیمت ۲۱,۰۰۰ تومان، عرضه ۳۰ واحد و تقاضا ۱۰ واحد است؛ پس کمبود تقاضا داریم:

واحد $۲۰ = ۳۰ - ۱۰ =$ کمبود تقاضا
(ب) در قیمت ۷,۰۰۰ تومان، عرضه ۱۰ واحد و تقاضا ۳۰ واحد است؛ پس کمبود عرضه داریم:

واحد $۲۰ = ۳۰ - ۱۰ =$ کمبود عرضه
(ج) در قیمت ۱۱,۰۰۰ تومان، عرضه ۱۵ واحد و تقاضا ۲۵ واحد است؛ پس مازاد تقاضا داریم:

واحد $۱۰ = ۲۵ - ۱۵ =$ مازاد تقاضا
(د) در قیمت ۲۵,۰۰۰ تومان، عرضه ۳۵ واحد است. مقدار عرضه در قیمت تعادلی نیز $۲۰ =$ واحد است؛ پس مازاد عرضه نسبت به تعادل داریم:

واحد $۱۵ = ۲۰ - ۳۵ =$ مازاد عرضه نسبت به تعادل
(ه) در تمام قیمت‌ها، پرداختی مصرف‌کننده همان درآمد تولیدکننده را تشکیل می‌دهد.

(و) چون در قیمت‌های کمتر از تعادل، تقاضا بیش‌تر از عرضه است، تمام محصولات تولیدی در این قیمت‌ها توسط مصرف‌کننده خریداری می‌شود. هم‌چنین در تعادل، عرضه و تقاضا با هم برابر شده‌اند؛ پس تمام محصولات تولیدی به فروش می‌رسد.

۱۴۲ ۱ (الف) افزایش قیمت‌ها به دلیل مازاد تقاضا موجب کم شدن فاصله بین عرضه و تقاضا می‌شود.

(ب) هرگاه در بازار، قیمت در سطح قیمت تعادلی نباشد، عواملی قیمت را به سمت تعادل هدایت می‌کنند، به شرط این‌که عوامل بیرونی مانع نشوند.

۱۴۳ ۱ چگونگی تصمیم‌گیری و اقدام هر یک از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و هم‌چنین واکنش آن‌ها نسبت به تغییرات وضعیت اقتصادی را رفتار اقتصادی می‌گویند. رفتار اقتصادی مصرف‌کنندگان با عنوان تقاضا شناخته می‌شود.

۱۷۷) عبارت سؤال از مقدمه کتاب «ظفرنامه شامی»، که قدیمی ترین تاریخ نوشته شده درباره تیمور است، انتخاب شده.

۱۷۸) بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱) یورش
- ۲) بیلابی، قشلاق
- ۳) کم شدن کاربرد حرف نشانه «مر» در کنار مفعول جمله، ویژگی زبانی است.
- ۴) کتاب «انوار سهیلی» یازنویسی کلیله و دمنه است.

زبان عربی (اختصاصی)

■ درست‌ترین و دقیق‌ترین جواب را در ترجمه یا تعریب یا مفهوم یا واژگان مشخص کن (۱۸۶-۱۸۱):

۱۸۱) ترجمه کلمات مهم: قُلْ: بگو / ثَعَالُوا: بیایید / كَلِمَةٌ سَوَاءٌ: سخنی یکسان / اَلَا تَعْبُدُنَّ: که نپرستیم / اِلَّا اللّٰهَ: جز خداوند را

اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

- ۱) «گفت» نادرست است؛ «قال» گفت.
- ۳) «به اهل کتاب» نادرست است، نباید پرستش کنیم ← نپرستیم
- ۴) «سواء» صفت «کلمه» است؛ نبایدست پرستش کنیم ← نپرستیم؛ زائد بودن «کسی»

۱۸۲) ترجمه کلمات مهم: اُكْتَسِبَ الْعِلْمَ: علم را به دست آور، کسب علم کن / طَوَّلَ حَيَاتِكَ: در طول زندگی‌ات (زندگانی‌ات) / قَائِلُهُ: چرا که (زیرا) آن

نورِ یُضِي: نوری است که روشن می‌کند / قَتَمْتُمُز: پس می‌بینی / ما حَوْلَكَ: چیزهایی که پیرامونت هست / گَمَا هُوَ: آن‌گونه که هست

اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

- ۱) «تمام» ترجمه درستی از «طول» نیست، و ← پس، «تُبصِرُ: می‌بینی» نه «نشان می‌دهد»، ضمناً «به تو» معادلی در متن ندارد
- ۳) ضمیر «لَهُ» در «حیاتک» ترجمه نشده است، «با آن» اضافی است، «یُضِي»: روشن می‌کند» نه «روشن می‌شود»، و ← پس، ضمیر «ت ش» در «اطرافش» نادرست است، مشاهده می‌کند ← می‌بینی، مشاهده می‌کنی
- ۴) «تمام» ترجمه درستی از «طول» نیست، «تا» نادرست است، مشاهده کنی ← مشاهده می‌کنی

۱۸۳) ترجمه کلمات مهم: هُنَاكَ: وجود دارد، هست / تَسْعَةُ دُرُوسٍ: نه درس / السَّادِسُ: ششمین / ثَلَاثُ مَرَاتٍ: سه بار (مرتبه)

اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

- ۱) «فی ...: در این ...» درست ترجمه نشده است، «دارد» نادرست است؛ «هناک» یعنی «وجود دارد»؛ شش‌تای آن را ← ششمی از آن‌ها را
- ۲) «هذا: این» نه «آن»، «برای بار سوم» نادرست است.
- ۳) «السَّادِسُ: ششمین» عدد ترتیبی است، از آن را ← از آن‌ها را (مرجع ضمیر چون به «دروس» برمی‌گردد، جمع ترجمه می‌شود)

۱۸۴) قَدِحْدَرُ أَنْ رَیَا هَسْتَنْدُ: ما أَجْمَلُهُمَا؛ اسلوب تعجب است و در ساختار آن «ما أَفْعُلُ» می‌آید / جَنْجَلُ هَاي سِرْسَمِزْ هَا زَنْدَرَانُ: غلایبُ مازندران الخضرَاءُ» / «آرامش دریا، هدوء البحر»

توضیح: «قدحدر زیبا هستند» اسلوب تعجب است؛ گزینه‌های (۲) و (۳) رد می‌شوند «آرامش دریا» ترکیب اضافی است نه وصفی پس گزینه‌های (۱) و (۳) رد می‌شوند؛ «البحر الهادی: دریای آرام»

۱۷۵) افزایش نشانه‌های جمع فارسی نسبت به جمع عربی؛ ویژگی نثر دوره سامانی

افزایش کاربرد لغات عربی؛ ویژگی نثر دوره غزنوی و سلجوقی

۱۷۶) بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۲) قاف هوا (اضافه تشبیه) / [من] به عنقا / [من] به مرغ
- ۳) دل به عنچه / [من] به گیاه
- ۴) تو به شمع / تو به پادشاه / من به پاسبان (به تعبیری)

۱۷۷) آتش عشق / دل به سیند / حال به سیند (۳ تشبیه)

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱) [من] به ماهی / صد [نفر] به من (۲ تشبیه)
- ۳) [من] به طوطی (۱ تشبیه)
- ۴) روز سید به خال سیاه / صورت حال به زلف تو (۲ تشبیه)

۱۷۳) تشبیه: قد به کمان / قد به تیر خدنگ (وجه شبه در هیچ‌کدام ذکر نشده)

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱) تشبیه: معشوق به آفتاب / وجه شبه: تیغ زبان کشیده و عالم گرفتن / تشبیه: زبان به تیغ (وجه شبه ذکر نشده)
- ۲) تشبیه: من به خاک ره / وجه شبه: بر رهگذر گذاشته (رها) شدن
- ۴) تشبیه: ضمیر به بلبل / وجه شبه: در خروش بودن

۱۷۴) جو گیسو از رویت برکنار افتاده‌ام

ارات تشبیه مشبهه	ووجه شبه مشبه
چون کمر ...	پیوسته در بند میانت بوده‌ام
ارات تشبیه مشبهه	ووجه شبه مشبه

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱) لشکر عشق / ملک دل مشبهه مشبه ووجه شبه مشبه
- ۳) تشبیه ندارد.
- ۴) الف قامت / الف (که در واقع همان «قامت» باشد، به نون مشبهه مشبه مشبه ووجه شبه مشبه

۱۷۵) من جو شمع (تشبیه گسترده)

مشبه	ارات شبه	مشبهه
------	----------	-------

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱) میدان عشق
- ۲) زنجیر زلف / [من] دیوانه‌وار مشبه مشبهه ارات تشبیه
- ۴) گل عذاران مشبهه مشبه

۱۷۶) بری چهرگان (تشبیه فشرده)

مشبهه مشبه

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۲) اشک می گون / [من] شمع وار (وجه شبه: اشک ریختن) مشبه مشبهه ارات تشبیه مشبه مشبهه ارات تشبیه
- ۳) انسان چون لاله (وجه شبه: دل [را] سوختن) مشبه ارات تشبیه مشبهه
- ۴) دل هم جو بید (وجه شبه: لرزیدن) مشبه ارات تشبیه مشبهه



۱۸۵ ۱ ترجمه عبارت سؤال: مَثَلٌ مَوْمِنٌ مِثْلٌ عَطْرٍ فُرُوشٍ اسْت؛ اگر

با او همنشینی کنی به تو سود می‌رساند!

مفهوم: گزینہ (۱) دقیقاً همین پیام را می‌رساند!

۱۸۶ ۳ بررسی گزینه‌ها:

(۱) مزدور: کسی که برای منفعت دشمن کار می‌کند! [✓]

(۲) اقبانوس: آن چه از دریا بسیار وسیع‌تر است! [✓]

(۳) موزه: آن چه به عنوان هدیه به یکی از نزدیکان و دوستان داده می‌شود! [×]

(۴) کامیوتور: دستگاهی که در آن برنامه‌های بسیاری هست که کارهای انسان را آسان می‌کند! [✓]

■ گزینہ مناسب را در پاسخ به سوالات زیر مشخص کن (۱۹۰ - ۱۸۷):

۱۸۷ ۴ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) «جَعَلْنَا» صیغة «للمتکلم مع الغیر» است؛ ضمیر «نا» مفعول نیست.

(۲) «تَعَارَفُوا» فعل مضارع از باب «تفاعل» است ← «تعارَفَ»، «تَعَارَفَ»، «تعارَفَ»

نکته: به عنوان یک نکته به خاطر بسپارید که در «لَتَعَارَفُوا»، فعل «تعارَفُوا» در باب «تفاعل» است و در اصل «تَتَعَارَفُوا» بوده که یکی از «ت»ها از آن حذف شده است!

(۳) خبر «أَكْرَمَ»، «أَقْنَى» است نه «عند».

۱۸۸ ۱ نکته: به این عبارت از درس چهارم کتاب عربی، زبان قرآن

(۱) نگاه کنید: «لَا يَجُوزُ الْإِسْرَافُ عَلَى نِقَاطِ الْإِخْلَافِ وَ عَلَى الْعَدْوَانِ، لَأَنَّهُ لَا يَنْتَفِعُ بِهِ أَحَدٌ». در این عبارت و ترکیب «لأنه» ضمیر «مرجعی ندارد و به صورت: «زیرا آن» ترجمه نمی‌شود! گاهی اوقات ما در جمله با «أنه»، «إنها»، «لأنه»، «لأنها» مواجه هستیم که ضمیر «ه» و «ها» در آن‌ها به چیزی قبلشان بر نمی‌گردد و در ترجمه هم به صورت «او، آن» ترجمه نمی‌شوند، بلکه به این صورت ترجمه می‌شوند «که»، «زیرا این‌گونه است که...» در گزینہ (۱)، «ه» در «أنه» دقیقاً مشابه بالاست و به چیزی قبلش بر نمی‌گردد.

ترجمه: افتخارکننده به نسب خویش باید بداند که هیچ افتخاری نیست مگر به علم و ادب!

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) ضمیر «ه» به «البيت» بر می‌گردد.

(۳) ضمیر «ه» به «المطالب» بر می‌گردد.

(۴) ضمیر «ه» به «هذا المُقَمَّلُ» این بازیگر» بر می‌گردد.

۱۸۹ ۲ بررسی گزینه‌ها:

(۱) «خَمْسَةٌ» و «وَاحِدَةٌ» هر دو عدد «اصلی» هستند!

(۲) «الرحاية عشرة» عدد «ترتیبی» و «ثلاث» عدد «اصلی» هستند!

(۳) «الثلاثاء» نه عدد «ترتیبی» است نه «اصلی»؛ برای روز است! «عشرین» عدد «اصلی» است!

(۴) «العاشرة» عدد «ترتیبی» است و عدد اصلی در این عبارت دیده نمی‌شود!

۱۹۰ ۳ حرف مشبّهة بالفعل که بین دو جمله ربط برقرار می‌کند، «أن» است که فقط در گزینہ (۳) دیده می‌شود.

تاریخ

۱۹۱ ۲ به دلیل ماهیت استبدادی حکومت قاجار و نبود آزادی

بیان، برخی از روزنامه‌نگاران در خارج از کشور اقدام به نشر روزنامه‌هایی به زبان فارسی کردند.

۱۹۲ ۳

مکتب نقاشی شیراز که در دورهٔ نغولان شکل گرفته بود، در زمان زندیه به اوج رونق و زیبایی رسید و نقاشان برجسته‌ای مانند محمدصادق، اشرف و میرزاابا آثار زیبایی آفریدند.

۱۹۳ ۳

آرامش و ثبات سیاسی نسبی، کاهش مالیات‌ها ارد گزینہ (۱)، «در بار کم‌تجمل و تلاش کریم‌خان برای تثبیت قیمت کالاها از جمله عوامل مؤثر در رونق اقتصادی دورهٔ کریم‌خان زند بود. در دورهٔ کریم‌خان زند، هیئت‌هایی از فرانسه و انگلستان برای گرفتن امتیاز و ایجاد مراکز تجاری به ایران آمدند، اما چون با او به توافق نرسیدند، گشایشی در روابط صورت نگرفت (رد گزینہ (۴)).»

۱۹۴ ۱

مناسبات سیاسی و اقتصادی ایران با جهان خارج در دوران افشاریه و زندیه به علت درگیری‌های داخلی و بی‌ثباتی سیاسی نسبت به عصر صفوی کاهش چشمگیری یافت.

۱۹۵ ۴

با مرگ نادر دورانی از رقابت و جنگ برای به دست گرفتن قدرت آغاز شد. در چنین شرایطی، دو تن از برادرزادگان نادر (عادل شاه و ابراهیم شاه) یکی پس از دیگری به عنوان جانشین او برای مدت کوتاهی مدعی حکومت شدند. سپس نوبت به نوهٔ او (شاه‌رخ) رسید. وی از قلمرو وسیع نادر، به شهر مشهد بسنده کرد و حکومتش تا زمانی که آقا محمدخان قاجار آن را از میان برداشت (۱۲۱۲ ق)، ادامه یافت.

۱۹۶ ۳

نادر مہمپای نیرد با روسیه و عثمانی شد. سپاه تحت فرمان او در چندین جنگ بر ارتش قدرتمند عثمانی پیروز شد و سرزمین‌های اشغال‌شدهٔ ایران را آزاد کرد. روس‌ها نیز با مشاهدهٔ توان نظامی نادر و جنگجویانش، پیش از برخورد نظامی، نیروهای خود را از ایران بیرون بردند.

۱۹۷ ۴

پرتغالی‌ها و اسپانیایی‌ها نخستین استعمارگرانی بودند که به هند وارد شدند.

۱۹۸ ۲

ولتر، مونتسکیو و روسو، سه تن از مشهورترین روشنفکران فرانسه در قرن ۱۸ میلادی بودند. ولتر از اطاعت انسان از عقل و مبارزه با خرافات سخن می‌گفت. مونتسکیو از تفکیک قوای سیاسی و حقوق بشر دفاع می‌کرد. روسو نیز بر اهمیت انتخابات تأکید می‌کرد و تشکیل حکومت را حاصل قراردادی اجتماعی می‌دانست.

۱۹۹ ۲

اسناد تاریخی از مهم‌ترین منابع پژوهش تاریخی به شمار می‌آیند و شامل کلیهٔ مکاتبات حکومتی، فرمان‌ها، معاهدات سیاسی، نامه‌های شخصی و اداری، اسناد مالی و قضایی، گزارش‌های اقتصادی، فرهنگی، نظامی و حقوقی می‌شوند.

۲۰۰ ۱

میرزا فتحعلی‌خان آخوندزاده با این‌که مورخ نبود، تاریخ‌نویسی ستی را به شیوة علمی نقد کرد.

۲۰۱ ۱

در همان دورانی که دولت - شهرهای یونانی سرگرم رقابت و جنگ بودند، قدرت جدیدی در مرزهای شمالی یونان یعنی مقدونیه در حال ظهور بود. مقدونیان به زبان یونانی صحبت می‌کردند، اما از زندگی شهری و تمدن توسعه‌یافته‌ای برخوردار نبودند. فیلیپ دوم، شاه مقدونیه با تشکیل ارتشی نیرومند از طوایف جنگجوی مقدونی، دولت - شهرهای خسته و متفرق یونان را مطیع خود کرد و بر این کشور مسلط شد.

۲۰۲ ۴

به گمان برخی از باستان‌شناسان، سومریان مخترع خط بوده‌اند و نخستین نوشته‌های جهان متعلق به آنان است. بعضی از این لوح‌ها حاوی آثار ادبی بلند، مانند افسانهٔ گیلگمش است.



۲۱۳- ۲ در دوران سلسله هان، آیین بودا به چین راه یافت و به تدریج در کنار آیین کنفوسیوس و دیگر آیین‌ها، مورد پذیرش بخشی از مردم چین قرار گرفت.
تذکر: سایر گزینه‌ها مربوط به دوران حکومت شی‌هوانگتی است.

۲۱۴- ۱ شیوه حکومتی که محورایی بنیان نهاد، مبتنی بر قدرت و اختیارات فراوان پادشاه و اطاعت کامل حاکمان ولایات از او بود. وی مقام پادشاهی را هدیه‌ای از جانب خداوند به خود می‌پنداشت.

۲۱۵- ۴ مهم‌ترین اثر برجمانده درباره عقاید آریاییان هند، سروده‌هایی در ستایش آفرینش و خدایان با عنوان «وداها» است. کهن‌ترین بخش وداها، «ریگ ودا» نام دارد که به زبان سانسکریت که زبان مهاجران آریایی هند بود، سروده شده است.

۲۱۶- ۱ یونانیان به خدایان متعددی اعتقاد داشتند. مهم‌ترین این خدایان، دیوازه خدایی بودند که در کوه المپ جای داشتند و در رأس آنان، «زئوس» خدای آسمان و آذرخش بود. مردم هر دولت - شهر یکی از خدایان مستقر در المپ را به عنوان خدای محافظ شهر خود ستایش می‌کردند. مثلاً آتنا، خدایابوی خرد، محافظ شهر آتن به شمار می‌رفت.

۲۱۷- ۳ برخی اشیای متعلق به مراکز تمدنی ایران و بین‌النهرین در کشفیات موهنجودارو و هاراپا، نشان می‌دهد که این مراکز با یکدیگر دادوستد داشته‌اند.

۲۱۸- ۲ برخی اشیای متعلق به مراکز تمدنی ایران و بین‌النهرین در کشفیات موهنجودارو و هاراپا، نشان می‌دهد که این مراکز با یکدیگر دادوستد داشته‌اند.

۲۱۹- ۳ آریایی‌ها مردمانی جنگجو و دارای اسب و ارابه بودند، نه ساکنان شهرهای موهنجودارو و هاراپا.

۲۲۰- ۱ تمدن چین به سبب موقعیت ویژه جغرافیایی خود، کمتر تحت تأثیر و نفوذ خارج بوده است.

۲۲۱- ۲ تمدن سند به کشاورزی متکی بود و ساکنان این منطقه به پرورش دام به ویژه گاومیش نیز می‌پرداختند ← پس این تمدن به کشاورزی متکی بود، نه به پرورش دام.

۲۲۲- ۱ پس از آن‌که حکومت بابل قدیم، دچار ضعف و زوال شد، آشوریان که قومی جنگجو در شمال بین‌النهرین بودند، به قدرت رسیدند.

۲۲۳- ۲ باستان‌شناسان درباره تقدم کشاورزی بر اهلی کردن حیوانات و یا بالعکس، نظراتی متفاوت دارند ← پس درباره این گزینه توافق وجود ندارد. موارد ذکرشده در سایر گزینه‌ها کاملاً صحیح هستند و بین باستان‌شناسان در مورد آن‌ها اختلافی وجود ندارد.

۲۲۴- ۲ شمار بردگان و اختلاف میان فقیر و ثروتمند چنان افزایش یافت که در سال ۳۳ ق.م. بردگان به رهبری اسپارتاکوس قیام کردند.

۲۲۵- ۴ عمر بن عبدالعزیز دشنام‌گویی و اهانت به علی (ع) را که معاویه به اجبار رسم کرده بود، منع نمود و فکد را به اهل بیت بازگرداند.

۲۲۶- ۲ ساکنان شهر یرب در دوران جاهلیت، شامل دو گروه یهود و عرب بودند. قبیله‌های عرب آن شهر، از جمله دو قبیله بزرگ اوس و خزرج از یمن به آن دیار مهاجرت کرده بودند.

۲۱۳- ۳ خاندان اموی با سرکوب شورش‌های داخلی و دفع حملات مسیحیان تا سال ۴۲۲ ق، به صورت مستقل از خلافت عباسیان، بر سرزمین اندلس حکومت کردند. پس از آن، خاندان‌های مسلمان دیگری بر سرکار آمدند که اتحاد و انسجام مناسبی نداشتند. به همین دلیل اندلس از نظر قدرت سیاسی و نظامی دچار ضعف و انحطاط شد.

۲۱۴- ۴ فتوحات نیروهای مسلمان در مصر، بیش‌تر نتیجه عدم مقاومت مردم آن سرزمین در برابر سپاه اسلام بود.

۲۱۵- ۴ با نزول سوره براءت (توبه) در آخرین ماه‌های سال نهم هجری، رسول خدا (ص) به علی (ع) مأموریت داد که برای ابلاغ سوره براءت عازم مکه شود. پس از آن مکه و خانه خدا، به عنوان حرم اسلامی اعلام گردید و مشرکان حق نداشتند به آن‌جا وارد شوند.

۲۱۶- ۱ پس از هجرت پیامبر (ص) و یارتان به مدینه، مشرکان قریش همچنان بزرگ‌ترین و سرخست‌ترین دشمنان دعوت اسلامی باقی ماندند.

۲۱۷- ۳ عثمان بن عفان روش متفاوتی نسبت به خلفای پیش از خود در پیش گرفت. او حکم‌بن ابی‌العاص را که پیامبر به طائف تبعید کرده بود، به مدینه بازگرداند.

۲۱۸- ۲ پس از رحلت پیامبر (ص) و آغاز خلافت ابوبکر بن ابی‌قحافه، گروه‌هایی از قبیله‌های بادیه‌نشین عربستان که در سال‌های پایانی زندگانی رسول خدا (ص) و پس از گسترش قدرت مسلمانان، اسلام آورده بودند و با تعالیم آن انس و آشنایی نداشتند، از دین خارج شدند و سر به شورش برداشتند. این گروه به مرتدان یا دین‌پرگشتگان معروف شدند.

۲۱۹- ۳ مسلمانان به خاطر حضور در سپاه و شرکت در جنگ حقوق نمی‌گرفتند، اما از غنیمت‌های جنگی سهم خود را دریافت می‌کردند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) هزینه تأمین جنگ‌افزارهای نظامی مانند سلاح، اسب و سایر تجهیزات جنگی به عهده جنگاوران بود.

(۲) جهاد و دفاع وظیفه تمام مسلمانانی بود که توانایی انجام آن را داشتند.

(۴) در حکومت پیامبر (ص)، چهار پنجم غنائم جنگی میان جنگاوران تقسیم می‌شد و یک پنجم آن (خمس)، به خدا، رسول، خویشان او، یتیمان، فقیران و در راه ماندگان تعلق داشت.

۲۲۰- ۴ داعیان عباسی، کانون فعالیت‌های خود را مناطق دور از مرکز خلافت، به خصوص خراسان که گرفتار درگیری‌های قبیله‌های مهاجر عرب بود، قرار داده بودند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

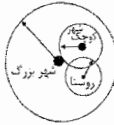
(۱) با اوج‌گیری مخالفت و مبارزه با حکومت اموی در اوایل قرن دوم هجری، خاندان عباسی شبکه منظمی از داعیان (مبلغان) را به وجود آورد که به صورت سری فعالیت می‌کرد.

(۲) تبلیغات داعیان عباسی بسیار زیرکانه و حساب‌شده بود. آنان نخست، معایب حکومت بنی‌امیه و ظلم و ستمی را که امویان نسبت به اهل بیت پیامبر مرتکب شده بودند، بیان می‌کردند و سپس بدون اسم بردن از فرد خاصی، مردم را به حکومت «آل محمد» فرا می‌خواندند.

(۳) پس از مرگ هشام بن عبدالملک (۲۵ق) و تشدید اختلاف و نزاع در خاندان بنی‌امیه، فعالیت شبکه تبلیغاتی عباسیان به طرز چشمگیری افزایش یافت.

جغرافیا

۴ ۲۲۱



۲ ۲۲۲ در سال ۱۹۵۰ میلادی فقط ۳۰ درصد جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کردند، اما در سال ۲۰۱۴ میلادی ۵۴ درصد جمعیت جهان ساکن شهرها بوده‌اند. امروزه جمعیت شهرنشین جهان بر جمعیت روستائین پیشی گرفته است و پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۵۰ میلادی، این نسبت به حدود ۶۶ درصد برسد.

۲ ۲۲۳ در سال ۱۹۵۰ میلادی، دو شهر لندن و نیویورک بیش‌تر از ۸ میلیون نفر جمعیت داشتند.

۱ ۲۲۴ با افزایش جمعیت مادرشهرها و گسترش حومه‌های آن‌ها به تدریج منطقه مادرشهری به وجود می‌آید.

۲ ۲۲۵ میزان رشد شهرنشینی در آسیا و آفریقا ۱/۵ درصد در سال است.

۴ ۲۲۶ با افزایش شهرنشینی و گسترش حمل و نقل و وسایل ارتباطی، به تدریج حومه‌ها در اطراف شهرها، به ویژه شهرهای بزرگ و پرجمعیت، شکل گرفتند.

۲ ۲۲۷ برخی از شهرها به سبب نقش مهم آن‌ها در اقتصاد و تجارت جهانی، حوزه نفوذ بسیار وسیعی در سطح جهان دارند و به آن‌ها جهان‌شهر گفته می‌شود.

۲ ۲۲۸ در سده نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم در کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی اروپا و آمریکای شمالی، به دنبال توسعه صنایع کارخانه‌ای مهاجرت از روستاها به شهرها رخ داد.

۲ ۲۲۹ از سال ۱۳۳۵، روند شهرنشینی در ایران سرعت گرفت و دوره شهرنشینی سریع آغاز شد. مهم‌ترین علل شهرنشینی سریع عبارت بودند از:

(الف) از آن‌جا که بودجه کشور ما متکی به درآمد حاصل از فروش نفت است و این درآمد در دست دولت ذخیره می‌شود، دولت‌ها با استفاده از درآمد نفتی، بیش‌ترین سرمایه‌گذاری‌ها، توسعه کارخانه‌ها و تجهیزات و زیرساخت‌ها را به شهرها اختصاص دادند.

(ب) از سال ۱۳۴۱ اصلاحات ارضی در روستاها انجام گرفت. اصلاحات ارضی یعنی تغییر قوانین مالکیت زمین و توزیع مجدد آن به نفع کشاورزان. در ایران، اصلاحات ارضی در سه مرحله با سلب مالکیت مالکان بزرگ و واگذاری زمین به دهقانان خرده‌پا انجام گرفت؛ اما به سبب تقسیم نادرست زمین، حمایت نکردن دولت از کشاورزان، توجه به صنایع مونتاژ و واردات کالا از کشورهای خارجی نه تنها وضع روستاییان بهتر نشد، بلکه شرایط انهدام کشاورزی در ایران فراهم آمد. در نتیجه مهاجرت روستاییان به شهرها شدت گرفت.

۳ ۲۳۰ در حدود سال ۱۳۶۰ جمعیت روستایی و شهری ایران تقریباً برابر بوده است.

۲ ۲۳۱ ایران با کشور ترکیه فقط مرز خشکی دارد.

۱ ۲۳۲ بررسی عبارت‌هاک نادرست.

(الف) دریای عمان، به واسطه مجاورت به آب‌های آزاد، دسترسی به اقیانوس هند و وجود سواحل با قابلیت‌های دفاعی مناسب از نظر اقتصادی و نظامی اهمیت بسیاری برای ایران دارد.

(ج) دریای خزر، بزرگ‌ترین پهنه آبی محصور در خشکی به واسطه منابع نفت و گاز می‌باشد.

(و) خلیج فارس، ارزش فرهنگی و سیاسی دارد، زیرا در مرکز و قلب ناحیه جغرافیایی و سیاسی جهان اسلام قرار دارد.

۱ ۲۳۳ کوهستان‌های تالش با جهت شمالی - جنوبی و کوه‌های البرز در امتداد غربی - شرقی امتداد دارند.

۱ ۲۳۴ طول مرزهای دریایی با ۳۰/۹ درصد و مرزهای رودخانه‌ای با ۳۰/۹ درصد با یکدیگر مساوی هستند.

۲ ۲۳۵ راهم‌واری‌های کشور ما، در دوره کواترنر شکل نهایی یافته و فعالیت‌های آتشفشانی در دوره کواترنر سبب شکل‌گیری قله دماوند در رشته‌کوه البرز شد.

۲ ۲۳۶ در منطقه مکران، رشته‌های بشاگرد و اطراف آن با ارتفاع نسبتاً کم و فرسوده‌ای وجود دارد. در این کوه‌ها، فرسایش، شکل‌های زیبایی با دره‌ها، چاله‌ها و گودال‌های عمیق ایجاد کرده است که آن‌ها را ناهمواری‌های مریخی و کوه‌های مینیاتوری می‌نامند. در استان‌های هرمزگان و جنوب استان سیستان و بلوچستان در فاصله این ناهمواری‌ها تا دریای عمان، چندین گل‌فشان وجود دارد که همانند چشمه‌های گلی می‌جوشد. گل‌فشان‌ها به علت خروج گاز یا بخار آب از اعماق زمین به بالا می‌آیند.

۳ ۲۳۷ منطقه کوهستانی مرکزی شامل مثلثی است که سه نقطه رأس آن کوه جغتای در خراسان رضوی، گردنه آوج در استان قزوین و قله کوه بزمان یا خضر زنده در سیستان و بلوچستان است.

۳ ۲۳۸ جلگه‌های یاسوکلاک و میناب در کناره دریای عمان و جلگه‌های تلخ‌رود و میان‌دواب در نزدیکی دریاچه ارومیه قرار دارند.

۲ ۲۳۹ در جنوب استان سیستان و بلوچستان و اطراف چاله جازموریان در کرمان، منطقه مکران واقع شده است.

۲ ۲۴۰ ماهی‌دشت در کرمانشاه، حاصل انحلال مواد آهکی و هموار شدن زمین‌ها است.

۲ ۲۴۱ اشعه خورشید به مناطق استوایی، عمود و به سمت قطب مایل و مایل‌تر می‌تابد، بنابراین مقدار انرژی خورشیدی که هر سانتی‌متر مربع از زمین در مناطق استوایی دریافت می‌کند، بسیار بیش‌تر از مقداری است که مناطق قطبی جذب می‌کنند.

۱ ۲۴۲ بررسی عبارت‌هاک نادرست.

(الف) بیش‌ترین تغییرات آب و هوایی در لایه زیرین هواکره یعنی تروپوسفر به وجود می‌آید.

(ب) به واسطه هواکره، زیست‌کره قادر به حیات است.

۴ ۲۴۳ مایل بودن محور زمین بر مدار گردش انتقالی آن به دور خورشید سبب می‌شود که طی حرکت وضعی و انتقالی، وسعت منطقه روشن و تاریک و طول روز و شب و فصول مختلف سال در نواحی مختلف و در نیمکره شمالی و جنوبی متفاوت باشد.



۲۴۴ ۲ آب‌سنگ‌ها و جزایر مرجانی، باتلاق‌ها و زیانه یا دماغه
ملمسه‌ای از جمله اشکال فرسایشی تراکمی هستند.

۲۴۵ ۲ پراکندگی کانون‌های فشار بر روی کره زمین، از عوامل
مهم گردش عمومی هوا و تغییرات آب و هوای نواحی است.

۲۴۶ ۴ علت اصلی به وجود آمدن بیابان در سواحل آمریکای جنوبی و
سواحل جنوب‌غربی آفریقا، وجود مراکز پرفشار و صعود نکردن هواست.

۲۴۷ ۳ ارتفاع کوه‌ها، تپه‌ها و سایر عوارض سطح زمین را نسبت به
سطح دریاها محاسبه می‌کنند.

۲۴۸ ۴ در کوهستان‌ها با توجه به شرایط آب و هوایی و جنس
سنگ‌ها، پوسته هوازدگی فیزیکی (مکانیکی) و شیمیایی رخ می‌دهد.

۲۴۹ ۲ کارست، پدیده خوردگی و انحلال سنگ‌های آهکی است.

۲۵۰ ۱ برجسته‌ترین کله‌تپا یا یاردانگ‌ها، در غرب بیابان لوت در
منطقه شهادت در استان کرمان وجود دارد.

جامعه‌شناسی

۲۵۱ ۲ در اوایل قرن بیستم میلادی عده‌ای در جهان غرب پیدا شدند
که به جای «موضوع» بر «روش» علوم تأکید کردند. آن‌ها روش تجربی را تنها
روش کسب علم دانستند و گفتند که همه علوم باید از یک روش یعنی روش
تجربی استفاده کنند. این رویکرد از نیمه دوم قرن بیستم با چالش‌های
متعددی مواجه شد و کم‌کم در محافل علمی از رونق افتاد.

دانش علمی با تلاش برای حل مسائل و مشکلات زندگی شکل می‌گیرد.
جامعه و فرهنگی که در آن زندگی می‌کنیم، دانش لازم برای زندگی یا همان
دانش عمومی را در اختیار ما قرار می‌دهد.
موضوع علوم انسانی عام‌تر از موضوع علوم اجتماعی است.

۲۵۲ ۳ گاهی در جامعه، میان «دانش عمومی» و «دانش علمی»
تعارض‌هایی پدید می‌آید. اعضای جامعه، برای حل این تعارض‌ها، تلاش
می‌کنند. حل تعارض‌ها گاه با دست برداشتن از بخشی از ذخیره دانشی به نفع
بخشی دیگر و گاه با طرح ایده‌های جدید انجام می‌شود.

جهان متجدد براساس هویت دنیوی خود، فقط علم تجربی را دانش علمی
می‌داند. وقتی چنین رویکردی به جوامع دیگر که علاوه بر علم تجربی، علوم
عقلانی و وحیانی را معتبر می‌دانند، سرایت کند، در ذخیره دانشی این جوامع
تعارضاتی پدید می‌آید. در چنین شرایطی، دانش عمومی به طور همه جانبه از
دانش علمی حمایت نمی‌کند.

۲۵۳ ۴ الف) در این دیدگاه دانش علمی به دانش تجربی محدود
نمی‌شود بلکه دانش‌های فراتجربی مانند دانش‌های عقلانی و وحیانی را نیز
شامل می‌شود که هر کدام ملاک سنجش و اعتباریابی خاص خود را دارد.
دانش عمومی نیز دانش غیرموقت و نامعتبر نیست، بلکه کم و بیش در آن
دانش‌های حقیقی و صحیح نیز وجود دارد.

ب) در این دیدگاه تفاوت دانش علمی با دانش عمومی در روش آن‌هاست.
دانش علمی تنها از راه حس و تجربه و به صورت نظام‌مند به دست می‌آید
ولی دانش عمومی، دانش حاصل از زندگی افراد است که از راه جامعه‌پذیری
و فرهنگ‌پذیری به دست می‌آید.

۲۵۴ ۲ با توجه به نمودار زیر، دانش‌ها نه کشف و بازخوانی واقعیت
بلکه بازسازی واقعیت هستند که انسان‌ها برای سامان دادن به زندگی خود
تولید می‌کنند.



۲۵۵ ۳ موضوع فلسفه اصل وجود است؛ یعنی به موجودی خاص مانند
موجودات طبیعی و انسانی و اجتماعی نمی‌پردازد بلکه قوانین کلی موجودات
را شناسایی می‌کند.

۲۵۶ ۲ ج) علوم اجتماعی، ظرفیت داوری درباره ارزش‌ها و هنجارهای
اجتماعی و نقد و اصلاح آن‌ها را دارند. علوم اجتماعی با داوری درباره
پدیده‌های اجتماعی و انتقاد از آن‌ها، فرصت موضع‌گیری اجتماعی مناسب و
صحیح را برای دانشمندان فراهم می‌آورند. (فوائد علوم اجتماعی)
الف) علوم انسانی را از این نظر که به انتقاد از کنش‌های ناپسند آدمیان
می‌پردازند، علوم انتقادی می‌نامند.

ب) علوم طبیعی، ابزاری برای پیش‌بینی حوادث طبیعی برای پیشگیری و
تسلط بر طبیعت و رهاسازی او از محدودیت‌های طبیعی‌اند. از این‌رو به
آن‌ها علوم ابزاری نیز می‌گویند.

۲۵۷ ۱ علوم اجتماعی بخشی از علوم انسانی محسوب می‌شود و
برخی علوم انسانی و علوم اجتماعی را یکی می‌دانند و برخی دیگر موضوع
علوم انسانی و علوم اجتماعی را همان امور انسانی و یکسان می‌دانند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) علوم انسانی از فعالیت‌های غیرارادی انسان‌ها بحث نمی‌کند، زیرا
فعالیت‌های غیرارادی، کنش نیستند. علومی که به این پدیده‌ها می‌پردازند،
جزء علوم انسانی نیستند.

۳) موضوع علوم انسانی عام‌تر از موضوع علوم اجتماعی است.

۴) برخی علوم انسانی در زمره علوم اجتماعی نیستند، روان‌شناسی نمونه‌ای از
علوم انسانی و جامعه‌شناسی نمونه‌ای از علوم اجتماعی است.

۲۵۸ ۲ کنش با آگاهی و اراده انسان انجام می‌شود. کنش و
پیامدهای آن به تصمیم و اقدام انسان‌ها وابسته است.

۲۵۹ ۳ به سبب آگاهانه و ارادی بودن کنش‌ها و سایر پدیده‌های
اجتماعی و تنوع آن‌ها، پیش‌بینی در علوم اجتماعی پیچیده‌تر از علوم طبیعی است.
علوم اجتماعی زمینه فهم متقابل انسان‌ها و جوامع مختلف از یک‌دیگر را
فراهم می‌سازند و به افزایش همدلی و همراهی انسان‌ها کمک می‌کنند.
علوم طبیعی و فناوری حاصل از آن‌ها، ابزار بهره‌مندی انسان از طبیعت و
هم‌چنین وسیله غلبه او بر محدودیت‌های طبیعی‌اند.

۱ بررسی عبارات نادرست:

ب) برخی علوم انسانی در زمره علوم اجتماعی نیستند، روان‌شناسی، نمونه‌ای
از علوم انسانی و جامعه‌شناسی نمونه‌ای از علوم اجتماعی است.

ج) امروزه، فناوری در زندگی بشر سیطره یافته است و به جای این‌که انسان، توسعه
فناوری را هدایت و راهبردی کند، فناوری، زندگی انسان‌ها را کنترل می‌کند.

۲۶۰ ۲ جهان اجتماعی بیش‌تر شبیه یک بازی گروهی است.

خانواده، امنیت، صلح و ... حاصل کنش‌های اجتماعی انسان‌ها هستند.

فرهنگ از طریق وراثت از نسلی به نسل دیگر منتقل نمی‌شود.



۲۶۲) یکی از ویژگی‌های مهم جهان اجتماعی نظم است.

دگرگونی جهان اجتماعی، پیامد عدم توان حفظ فرهنگ است.

برای اشاره به مجموعه‌های بزرگ، واژه جهان به کار می‌رود.

۲۶۳) آلودگی طبیعت و محیط زیست، نتیجه کارهای شناخته‌شده و نابخردانه انسان‌هاست.

جهان طبیعی → جهان اجتماعی

۲۶۴) آگاهی و شناختی که جهان اجتماعی بر اساس آن شکل می‌گیرد، آگاهی فردی و خصوصی نیست؛ بلکه نوعی آگاهی مشترک و عمومی است.

الف) شناخت خواننده، فرشتگان و جهان ماورای طبیعی، آرمان‌ها و ارزش‌های زندگی آدمیان را تغییر می‌دهد و کنش‌های اجتماعی آنان را دگرگون می‌سازد.

ب) پدیده‌های اعتباری شامل کنش و پیامدهای آن‌هاست.

ج) فئات، ابتکار ایرانیان است.

۲۶۵) در یک بحران اقتصادی که کشورهای صنعتی دچار مشکل شده بودند، بنا به محاسبات اقتصادی می‌بایست نفت را به گران‌ترین قیمت از کشورهای نفت‌خیز خریداری می‌کردند، ولی جالب است بدانید به ارزان‌ترین قیمت ممکن، نفت مورد نیاز خود را خریدند؛ زیرا در کشورهای نفت‌خیز، بعد عینی نفت به عنوان یک سرمایه وجود داشت؛ ولی بعد ذهنی آن مفقود بود.

«نهاد اجتماعی» مجموعه‌ای از عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهایی است که برای رفع نیازهای معینی از افراد و جهان اجتماعی اختصاص پیدا می‌کند.

هر یک از موجوداتی که بیرون جهان اجتماعی قرار دارند؛ یعنی موجودات طبیعی و ماورای طبیعی به واسطه ارتباطی که با زندگی اجتماعی انسان پیدا می‌کنند، در گستره جهان اجتماعی قرار می‌گیرند.

۲۶۶) شرکت در مراسم عزاداری عاشورا ← پدیده عینی و خرد

ب) تصور بهره‌مندی از تحصیل برای همه کودکان جهان ← پدیده کلان و نامحسوس

الف) علاقه به پس‌انداز کردن ← پدیده ذهنی و خرد

ج) مراقبت از اموال عمومی ← پدیده محسوس و کلان

۲۶۷) هیچ جامعه‌ای بی‌نیاز از هنجارها و نمادها نیست؛ ولی هنجارها و نمادها برحسب شرایط، در زمینه‌های مختلف قابل تغییرند و تغییر برخی از آن‌ها زمانی که به تغییر در لایه‌های عمیق منجر نشود، موجب تحول و تغییر بنیادین جهان اجتماعی نمی‌شود.

۲۶۸) خانواده، تعلیم و تربیت، سیاست و اقتصاد از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی‌اند. نهادها در تمامی جهان‌های اجتماعی وجود دارند ولی انواع و اشکال متفاوتی دارند.

۲۶۹) دفتر، قلم، دانش‌آموز، کلاس و ... → نماد

برای دانا شدن باید به مدرسه رفت → هنجار

دانایی از نادانی بهتر است → ارزش

انسان تربیت‌پذیر است → عقاید

۲۷۰) هر نهاد اجتماعی شیوه قبول قابل قبول تأمین بعضی از نیازهای افراد را معین می‌سازد و متقابلاً شیوه‌های غیرقابل قبول را طرد می‌کند. مثلاً نهاد اقتصاد، راه درست و مقبول یا کوزراه‌های به دست آوردن ثروت را در جهان اجتماعی تعیین می‌کند.

۲۷۱) برخی از فرهنگ‌ها عمری کوتاه دارند و برخی مدتی طولانی دوام می‌آورند. برخی در مناطقی محدود به وجود می‌آیند و از مرزهای جغرافیایی خود عبور نمی‌کنند، ولی برخی دیگر گسترش بسیاری دارند. نه تنها فرهنگ‌ها بلکه عناصر و اجزای فرهنگ‌ها نیز این گونه‌اند.

۲۷۲) آرمان‌ها و ارزش‌های خود را متوجه نژاد خاصی می‌داند و دیگران را در خدمت این نژاد به کار می‌گیرد. ← صهیونیسم

کانون ثروت و قدرت را مورد توجه قرار می‌دهد و کشورهای دیگر را در پیرامون آن به خدمت می‌گیرد. ← سرمایه‌داری

از عقاید و آرمان‌های مشترک انسانی سخن می‌گوید. ← فرهنگ جهانی مطلوب

۲۷۳) فراقی جامعه‌ای را که عقاید و ارزش‌های آن حق باشد، اما هنجارها و رفتارهای آن موافق و همسو با حق نباشد، مدینه فاسقه می‌نامد.

۲۷۴) انسان‌ها به موجوداتی منفعل تبدیل می‌شوند و زمینه نفوذ سلطه‌گران را فراهم می‌آورند. ← عدم وجود مسئولیت و تعهد

ایجاد قید و بندهایی که مانع رسیدن انسان به کمال و حقوق انسانی‌اش می‌شوند. ← عدم وجود آزادی

توان دفاع از هویت خود را از دست می‌دهد. ← عدم وجود عقلانیت

۲۷۵) در فرهنگ‌های جبرگرا انسان‌ها در تعیین سرنوشت خود دخالتی ندارند.

د) فرهنگ‌هایی که به حقیقتی قابل نباشند، نمی‌توانند معیار و میراثی برای سنجش عقاید و ارزش‌های مختلف داشته باشند و در نتیجه نمی‌توانند از حقانیت ارزش‌های خود دفاع کنند.

ب) عقاید و ارزش‌های فرهنگ جهانی باید عقاید و ارزش‌های مشترک انسانی باشد که از آن‌ها به عقاید و ارزش‌های عام و جهان‌شمول یاد می‌شود.

الف) ارزش جهان‌شمول عدالت و قسط است که فرهنگ جهانی باید در لایه‌های مختلف خود به آن معتقد و پایبند باشد.

۲۷۶) آزادی همواره دو پرشش به همراه دارد: آزادی از چه؟ آزادی برای چه؟ زیرا آزادی همواره رهایی از یک امر برای رسیدن به امری دیگر است.

به این پرشش‌ها براساس ارزش‌های جهان‌شمول دیگر مانند حقیقت، معنویت و عدالت پاسخ داده می‌شود. با پاسخی که به این دو پرشش داده می‌شود، معنای آزادی مشخص می‌گردد.

فرهنگ جهانی باید دارای دو سطح از عقلانیت باشد؛ ابتدا باید به پرشش‌های بنیادین بشر درباره انسان و جهان پاسخ دهد. اگر فرهنگی نتواند به این پرشش‌ها پاسخ دهد، توان دفاع از هویت خود را از دست می‌دهد.

بشر علاوه بر پرشش‌های بنیادین، در شرایط تاریخی مختلف با پرشش‌ها و نیازهای متفاوتی مواجه می‌شود. فرهنگ جهانی باید بتواند براساس عقاید و ارزش‌های بنیادین خود، به این پرشش‌ها و نیازهای متغیر پاسخ مناسب بدهد.

مراسم حج نمونه بارز تأکید هم‌زمان بر شباهت‌ها و تفاوت‌های میان انسان‌ها و فرهنگ‌هاست.

۲۷۷) بررسی عبارتهای نادرست:

ب) تأکید بر اشتراکات و شباهت‌ها در فرهنگ جهانی، مستلزم نادیده گرفتن تفاوت‌ها نیست. قبول تفاوت‌ها و احترام به آن‌ها در فرهنگ جهانی اهمیت بسیاری دارد. پذیرش این تفاوت‌ها در عین این‌که از صلح جهانی در برابر جنگ و خشونت محافظت می‌کند، انگیزه شناخت متقابل را فراهم می‌کند.

د) گونه نخست فرهنگ‌های جهانی، فرهنگی است که عقاید، ارزش‌ها یا هنجارهای آن ناظر به قوم، منطقه یا گروه خاصی است ولی نگاه سلطه‌جویانه دارد. چنین فرهنگی با عبور از مرزهای جغرافیایی خود، جهان را به مناطقی دوگانه تقسیم می‌کند؛ یکی از این دو منطقه، مرکزی و دیگری پیرامونی است. منطقه مرکزی، منطقه پیرامونی را به خدمت می‌گیرد.

فرهنگ صهیونیسم بین‌الملل و فرهنگ سرمایه‌داری دو نمونه از این گونه‌اند.

۲۲۸۷) فرهنگ‌ها متنوع‌اند، یعنی روح و شالوده آن‌ها متنوع است. زندگی فردی با زندگی فرهنگی انسان‌ها متناسب است. انگیزه شناخت متقابلِ جوامع و فرهنگ‌ها، پیامد پذیرش تفاوت‌ها در فرهنگی است.

۲۲۸۸) فرهنگی که عقاید، ارزش‌ها، هنر‌ها و رفتارهای آن مطابق نیازهای فطری باشد، همان فرهنگ حق است. فرهنگی که از مرزهای جغرافیایی و قومی عبور می‌کند و در پهنه جهان گسترش می‌یابد، فرهنگ جهانی است.

۲۲۸۹) فرهنگی که تسلط یک قوم، جامعه و یا گروهی خاص را بر دیگران به دنبال می‌آورد و دیگر اقوام، جامعه و گروه‌ها را به ضعف و ناتوانی می‌کشد، فرهنگ سلطه یا استکبار است.

۲۲۹۰) فرهنگی که عقاید، ارزش‌ها یا هنر‌های آن ناظر به قوم، منطقه یا گروه خاصی باشد؛ با عبور از مرزهای جغرافیایی خود، جهان را به مناطقی دوگانه تقسیم می‌کند. یکی از این مناطق، مرکزی و دیگری، پیرامونی است. منطقه مرکزی، منطقه پیرامونی را به خدمت می‌گیرد.

فلسفه و منطق

۲۲۹۱) هم دلالت مطابقی وجود دارد هم التزامی، اما در سایر گزینه‌ها فقط دلالت مطابقی وجود دارد.

۲۲۹۲) فقط گزینه (۲) به نحو دومی نمی‌تواند خوانده شود.

۲۲۹۳) بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) «اشتراک لفظ» مغالطه نیست، بلکه باعث به وجود آمدن مغالطه می‌شود. (۲) برای جلوگیری از مغالطه «بار ارزشی»، باید تلاش کنیم تا پیام اصلی متن را بفهمیم.

(۳) در دلالت مطابقی، «اشتراک لفظ» وجود ندارد؛ چون معنا متفاوت نیست، بلکه دلالت متفاوت است.

۲۲۹۴) این‌که یک لفظ چند معنا دارد، لزوماً باعث به وجود آمدن مغالطه نمی‌شود، بلکه اشتباه گرفتن این معانی با یک‌دیگر (کلماتی که ظاهر مشترک دارند و معانی مختلف)، باعث ایجاد مغالطه اشتراک لفظ می‌شود.

۲۲۹۵) مغالطه توسل به معنای ظاهری، یعنی به کار بردن دلالت‌های مختلف به جای یک‌دیگر. در گزینه (۳) «امتحان گرفتن» دلالت التزامی دارد با «به مدرسه رفتن» که شخص گوینده «امتحان گرفتن» را با دلالت مطابقی فهمیده و «مدرسه رفتن» را نفی کرده است.

۲۲۹۶) مرجع ضمیر «من» در این عبارت مشخص نیست که علی باید مادر بزرگش را به بیمارستان ببرد یا علی به من (مخاطب علی) گفته که مادر بزرگم را به بیمارستان برسانم.

۲۲۹۷) دلالت التزامی در ادبیات همان مجاز است که از آرایه‌های پرکاربرد است.

۲۲۹۸) بررسی گزینه‌ها:

در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) ابهام در عبارت وجود دارد، اما در گزینه (۳) مغالطه می‌تواند ناشی از عدم رعایت علائم نگارشی باشد.

۲۲۹۹) از آن‌جا که خطای در الفاظ و معنای آن‌ها می‌تواند باعث خطا در اندیشیدن (تعریف و استدلال) شود، به مبحث الفاظ در منطق توجه خاصی می‌شود.

۲۲۹۹) فرهنگی که عقاید، ارزش‌ها، هنر‌ها و رفتارهای آن مطابق نیازهای فطری باشد، همان فرهنگ حق است. فرهنگی که از مرزهای جغرافیایی و قومی عبور می‌کند و در پهنه جهان گسترش می‌یابد، فرهنگ جهانی است.

۲۲۸۰) فرهنگی که عقاید، ارزش‌ها یا هنر‌های آن ناظر به قوم، منطقه یا گروه خاصی باشد؛ با عبور از مرزهای جغرافیایی خود، جهان را به مناطقی دوگانه تقسیم می‌کند. یکی از این مناطق، مرکزی و دیگری، پیرامونی است. منطقه مرکزی، منطقه پیرامونی را به خدمت می‌گیرد.

۲۲۸۱) وجود و ماهیت دو مفهوم مغایر و متمایزند که از هر واقعیت در جهان خارج از ذهن انتزاع می‌شوند؛ پس در خارج دو موجود جداگانه و یا دو مفهوم نیستند، بلکه یک واقعیت داریم که دو مفهوم مختلف وجود و ماهیت از آن انتزاع می‌شود.

۲۲۸۲) از نظر ابن‌سینا حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» یک حمل ضروری و اولی ذاتی است و بی‌نیاز از دلیل و یا اثبات می‌باشد؛ یعنی نیازی ندارد که با دلیل صدق حمل را اثبات نماییم. لذا طرح این پرسش که چه عاملی باعث شد که «حیوان ناطق» را بر «انسان» حمل کنید، بی‌معناست.

۲۲۸۳) ارسطو در کتاب «مابعدالطبیعه» یا «متمایزیک» وجود را از ماهیت جدا می‌سازد. به علت توجه خاص ابن‌سینا، این بحث با عنوان «مغایرت وجود و ماهیت» یا «زیادت وجود بر ماهیت» مقدمه طرح مباحث جدیدی قرار گرفت.

۲۲۸۴) یکی از اساسی‌ترین آراء و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی «مغایرت و اختلاف بین ماهیت و وجود» است که مبنا و پایه‌ای یکی از براهین ابن‌سینا در اثبات وجود خدا به نام برهان «وجوب و امکان» است که ابن‌سینا آن را برهان «صدیقین» نامید. یکی از فیلسوفان بزرگ اروپا به نام «توماس آکوئیناس» که با فلسفه ابن‌سینا آشنا بود، این نظر را در اروپا گسترش داد و آن را مبنای برهان خداشناسی خود قرار داد.

۲۲۸۵) بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) در گزاره اول، انسان همان حیوان ناطق است و این دو مفهوم از یک‌دیگر غیرقابل تفکیک‌اند، اما در گزاره دوم مفهوم وجود از مفهوم انسان متمایز و جداست.

(۲) تفاوت انسان و حیوان ناطق در گستردگی معمول است.

(۴) حمل حیوان ناطق بر انسان، حمل اولی ذاتی و ضروری و بی‌نیاز از دلیل است.

۲۲۸۶) عبارت گزینه (۱) به ممتنع‌الوجود اشاره دارد. مجموعه اعداد بی‌نهایت داریم نه عدد بی‌نهایت؛ عدد حتماً معدود و قابل شمرده شدن است.



۳ ۳۱۲ حمایت از حقوق حیوانات ← اخلاقی (عبایت حقوق دیگران)

متوقف شدن رشد موها ← جسمانی (رشد یا متوقف شدن رشد قد، وزن، مو، ناخن، استخوان و غیره)

تصمیم‌گیری منطقی ← شناختی (حل مسئله، قضاوت، تصمیم‌گیری، حافظه، ادراک و غیره)

۲ ۳۱۳ در هفت سال دوم کودک فرمانبردار است و در این دوره باید

کم‌کم زشتی‌ها و زیبایی‌ها را به او فهماند. هفت سال دوم تقریباً برابر با کودکی دوم در تقسیم‌بندی دوره زندگی است.

۴ ۳۱۴ روان‌شناسی رشد، شاخه‌ای از علم روان‌شناسی است که

تلاش می‌کند تغییراتی را که در طول زندگی، از زمان تشکیل نطفه تا زمان مرگ، در آدمی رخ می‌دهد، مطالعه کند.

۴ ۳۱۵ بررسی گزینه‌ها:

۱، ۲ و ۳) به اثر عوامل محیطی یعنی کمال همنشین، نشستن و معاشرت با فرد عزیز و گرمایی و همنشینی فرشته با دیو اشاره دارند.

۴) سعدی می‌گوید خر عیسی حتی اگر به مکه رود باز هم خر است، یعنی اشاره به ذات و عوامل زیستی دارد، بنابراین با بقیه گزینه‌ها فرق می‌کند.

۲ ۳۱۶ دوقلموهای ناهمسان می‌توانند هم‌جنس یا غیرهم‌جنس باشند.

دوقلموهای همسان دارای ویژگی‌های وراثتی یکسان هستند.

۱ ۳۱۷ بزرگسالی شامل جوانی (۲۰ تا ۴۰ سالگی)، میان‌سالی (۴۰ تا

۶۵ سالگی) و پیری (۶۵ سال به بالا) می‌شود، اما سن ۱۴ تا ۲۰ سالگی جزء دوره نوجوانی قرار می‌گیرد.

۳ ۳۱۸ شاید بیش از هر روشی، افراد عادی جامعه با استفاده از

آزمون‌های روان‌شناختی مواجه شده باشند.

وقتی نتوانیم موضوعی را به صورت مستقیم از فردی بپرسیم، از مصاحبه بدون ساختار (بدون نظام) استفاده می‌شود.

۲ ۳۱۹ بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) در هفت سال سوم (وزیر و مشاور) دیگر نباید به صورت آمرانه با او رفتار شود.

۳) در هفت سال سوم (وزیر و مشاور) باید وی را چون عضو بزرگ خانواده دانست.

۴) این گزینه مربوط به هفت سال دوم است که کودک فرمانبردار محسوب می‌شود.

۳ ۳۲۰ طفولیت ← دو سال اول زندگی

نویایی ← ۱ تا ۳ سالگی

۴ ۳۰۰ در این گزینه، از دلالت مطابقی و التزامی استفاده شده است نه دو معنای متفاوت یک لفظ.

۳ ۳۰۱ تمام موجودات جهان با همه گوناگونی و تنوع، در یک

حقیقت مشترک‌اند و این حقیقت همان هستی و موجودیت آن‌هاست. این موجودات به دلیل همین ویژگی‌های مشترک، قوانین عام و مشترکی نیز دارند.

۳ ۳۰۲ فلسفه اولی، آن بخش از فلسفه است که درباره مسئله‌های

مربوط به وجود تحقیق می‌کند. احکام و قواعدی را به دست می‌آورد که مربوط به خود هستی و وجود است، نه یک وجود خاص؛ پس عبارت «مابعدالطبیعه در جست‌وجوی قواعد، احکام و ضوابط اشیاء عمل می‌کند»، نادرست است.

مابعدالطبیعه قواعد وجود اشیاء را بررسی می‌کند.

۱ ۳۰۳ «بررسی خصوصیات اشیاء» در علوم گوناگون و «بررسی مبنای

خصوصیات اشیاء» در مابعدالطبیعه صورت می‌گیرد.

«بررسی مطلق وجود (وجود بدون هیچ قید و شرط)» در مابعدالطبیعه و «بررسی وجودهای مفید موجودات» در علوم گوناگون صورت می‌گیرد.

۴ ۳۰۴ بحث از «حرکت» بین فیزیک و فلسفه مشترک است؛ پس بین مباحث فلسفه و فیزیک رابطه عموم و خصوص من وجه برقرار است.

۲ ۳۰۵ مابعدالطبیعه با ماوراءالطبیعه فرق دارد. مابعدالطبیعه دانش

هستی‌شناسی است و ماوراءالطبیعه مرتبه‌ای از هستی است که ماورای طبیعت و جهان مادی است؛ پس ماوراءالطبیعه بخشی از موضوع مابعدالطبیعه است.

۳ ۳۰۶ از دیرباز، سؤالات مهمی برای بشر مطرح بوده که به اصل

هستی و وجود مربوط می‌شود، نه خصوصیات و ویژگی‌های یک وجود خاص؛ پرسش‌هایی مانند این‌که آیا هستی منحصر در همین اشیای مادی است؟ آیا

رابطه علت در کل هستی جریان دارد؟ جهان به سمت تکامل حرکت می‌کند یا فروپاشی؟ آیا موجودات اراده و اختیار دارند؟ آیا هستی دارای طرح و

نقشه خاصی است؟ و دهها سؤال دیگر.

۳ ۳۰۷ مابعدالطبیعه بخشی از فلسفه است (مهم‌ترین بخش).

فلسفه فقط از هستی و قواعد آن بحث نمی‌کند، بلکه در هر موضوعی به بنیادی‌ترین مسئله‌ها می‌پردازد و درباره آن‌ها تأمل می‌کند.

۳ ۳۰۸ فیلسوفان مسلمان، وقتی می‌خواهند تقسیم ارسطویی علوم را

بیان کنند، فلسفه یا حکمت را ابتدا به دو قسم فلسفه نظری و فلسفه عملی تقسیم می‌کنند. فلسفه نظری، علم به هست‌ها و واقعیات‌ها و فلسفه عملی، علم به افعال اختیاری انسان و باید‌ها و نباید‌هاست.

۴ ۳۰۹ این فیلسوفان فلسفه نظری را سه قسم می‌کنند. قسم اول را

الهیات یا فلسفه علیا یا فلسفه اولی می‌نامند. قسم دوم را که ریاضیات است، فلسفه وسطی و قسم سوم را که طبیعیات است، فلسفه سُفلی می‌خوانند.

۳ ۳۱۰ ارتباط بین فلسفه‌های مضاف، علوم گوناگون و فلسفه اولی

بدین صورت است:

مابعدالطبیعه ← فلسفه مضاف ← علوم گوناگون

روان‌شناسی

۴ ۳۱۱ مصاحبه ساختاریافته (نظام‌دار) بر پرسش‌نامه ترجیح دارد؛ زیرا

امکان اخذ اطلاعات بیش‌تری وجود دارد. در همه‌پرسی‌ها (سؤال از تعداد زیادی از افراد یک جامعه) معمولاً از مصاحبه ساختاریافته (نظام‌دار) استفاده می‌کنند.